

## بررسی روایی در پیمایش‌های سنجش دینداری در ایران

حسین شجاعی‌زند، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران\*

علی‌رضا شجاعی‌زند، استادیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران

### چکیده

روایی،<sup>۱</sup> مهم‌ترین ویژگی هر سنجه و تنها جواز استفاده از نتایج یک پژوهش است. زمانی که پژوهش درباره موضوعاتی همچون دینداری باشد، بررسی روایی، اهمیت بیشتری خواهد داشت؛ زیرا این قبیل موضوعات به دلیل پیچیدگی و پنهان‌بودگی، در مرحله جمع‌آوری، ارزیابی و تحلیل نتایج بیشتر در معرض آسیب‌های روشی هستند. با وجود این، به نظر می‌رسد بیشتر مطالعات سنجش دینداری در ایران، دقت لازم را درباره روایی به کار نبسته‌اند. این کم‌توجهی به دو صورت رخ داده است: یک، بررسی نکردن روایی یا بررسی نکردن درست و کامل آن و دوم، گزارش ندادن دقیق و مناسب از آن. بررسی و احراز این مدعا، مستلزم مرور دوباره پیمایش‌های سنجش دینداری در ایران است. در این مقاله پس از بیان اهمیت و ضرورت توجه افزون‌تر به مسأله روایی در این مطالعات، تلاش شده است با بازخوانی انواع روایی و بررسی قابلیت و کاربردهای هر یک، مناسب‌ترین نوع آن برای مطالعات دینداری، شناسایی و معرفی شود؛ سپس با اتکا به همین ملاحظات، مهم‌ترین پیمایش‌های سنجش دینداری در ایران نقد و بررسی شده و نقصان‌های موجود در هر کدام و راه‌های علاج آن نشان داده شده است. این مطالعه نشان می‌دهد تنها روایی لازم و موجه برای این مطالعات، بررسی «روایی محتوا» است و پژوهش‌های منتخب، با ضعف و کمبودهای جدی در زمینه این نوع از روایی مواجه هستند. از آنجا که این پژوهش‌ها از برجسته‌ترین مطالعات انجام‌شده در زمینه سنجش میزان دینداری در ایران هستند، می‌توان ادعا کرد ضعف روایی در پیمایش‌های دینداری در ایران، عارضه‌ای عمومی است و با اتکا به یافته‌های این پژوهش‌ها، به برآورد دقیقی از میزان دینداری ایرانیان نمی‌توان دست یافت؛ بنابراین باید در تعمیم نتایج و تحلیل وضع دینداری در ایران بر اساس یافته‌های موجود با احتیاط بیشتری عمل کرد.

کلیدواژه‌ها: روایی، روایی محتوا، سنجش دینداری، الگوی دینداری، پیمایش، سنج

## مقدمه و بیان مسأله

دقت در انجام پژوهش، ضرورتی عام در هر مطالعه است. در عین حال دلایل دیگری هست که ایجاب می‌کند در مطالعات دینداری بدان توجه بیشتری شود. در مطالعات دینداری اولاً، با موضوعی مرکب، پیچیده و پنهان روبه‌رو هستیم. سنجش این قبیل موضوعات، دقت نظرهای مفهومی و روشی خاص خود را می‌طلبند که آن را از سنجش مفاهیم ساده و عینی متمایز می‌کند. دوماً، در روش‌های رایج برای این مطالعات، مجرای شناسایی نگرش، گرایش و رفتار فرد، خود اوست و از همین رو احتمال دریافت پاسخ‌های نادرست و نامطمئن افزایش می‌یابد. این احتمال با توجه به برخی ملاحظات اجتماعی و سیاسی در ایران، افزون‌تر است. پس لازم است با بالابردن دقت و اتخاذ ساز و کارهای مناسب در مراحل مختلف پژوهش، احتمال خطا به حداقل برسد. سومین دلیل، به تعمیم و استفاده از نتایج این پژوهش‌ها مربوط است. از آنجا که این قبیل پیمایش‌ها در مقیاس‌های بزرگ جمعیتی و در سطح ملی انجام می‌شوند و غالباً از نتایج تعمیم‌یافته آن‌ها در پژوهش‌های دیگر و در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های کلان نیز استفاده می‌شود؛ مسؤولیت پژوهشگر را برای بالابردن دقت در فرایند پژوهش و اطمینان از نتایج آن دوچندان می‌کند.

از مهم‌ترین نکات و شروط اغماض‌نشدنی در فرایند ساخت و به‌کارگیری یک سنجه، اطمینان از روایی آن است.<sup>۱</sup> نتایج یک پژوهش وقتی معتبر و استفاده‌کردنی خواهد بود که مطمئن باشیم سنجه، همان مفهومی را اندازه می‌گیرد که برای آن ساخته شده است؛ به عبارت دیگر روایی داشتن یک سنجه، تنها جواز استفاده از نتایج آن پژوهش است. با این حال، به نظر می‌رسد بسیاری از پژوهش‌های سنجش میزان دینداری، روایی سنجه خود را بررسی و یا گزارش نکرده‌اند، یا اینکه

بررسی و گزارش آنان از روایی آن، ناقص و ناکافی است. آن دسته از مطالعاتی هم که روایی را بررسی و گزارش کرده‌اند، این کار را به‌گونه‌ای کامل و مناسب انجام نداده‌اند و مطالب بسیاری را ناگفته گذاشته‌اند. از آنجا که «روایی محتوا»، تنها روایی بررسی‌شدنی و اطمینان‌بخش در این مطالعات است؛ مسأله اصلی این پژوهش، بررسی نکردن یا بررسی نکردن نادرست و ناقص روایی محتوا و یا گزارش نکردن دقیق آن در پیمایش‌های سنجش دینداری در ایران است. مدعای ما در این پژوهش آن است که:

- بیشتر پیمایش‌های سنجش میزان دینداری در ایران، روایی محتوای سنجه خود را به‌طور صحیح و کامل بررسی و گزارش نکرده‌اند، پس به نتایج آن‌ها درباره وضع دینداری در ایران نمی‌توان اطمینان کرد.

پرسش اصلی پژوهش که در برابر هر یک از این پژوهش‌ها قرار داده خواهد شد، با توجه به مدعای فوق، چنین است:

- آیا در پژوهش مدنظر، روایی محتوای سنجه به‌طور صحیح و کامل بررسی شده است؟

این پرسش، خود پرسش‌های دیگری را در پی خواهد داشت که به‌عنوان پرسش‌های فرعی پژوهش در برابر هر یک از پیمایش‌ها قرار خواهیم داد:

۱. آیا این پژوهش، تعریفی روشن و دقیق از دینداری ارائه کرده است؟
۲. آیا از مدل مفهومی مشخصی از دینداری استفاده شده است؟ مدل دینداری استفاده شده در این پژوهش و مبنای ساخت آن چیست و از کجا گرفته شده است؟
۳. آیا روایی سنجه این پژوهش بررسی شده است؟ از کدام انواع روایی برای این منظور استفاده شده است؟
۴. آیا سنجه به‌کاررفته در پژوهش از همه ابعاد مفهوم مدنظر، پرسش کرده است؟

<sup>۱</sup> اوپنهایم مدعی است روایی مشکل‌ترین مسأله پژوهش‌های اجتماعی است که هنوز راه حل اطمینان‌بخشی برای آن پیدا نشده است. نگاه کنید به: (اوپنهایم، ۱۳۷۵: ۹۵).

دینداری<sup>۱</sup> (1999) است که هیل و هود انجام داده‌اند. این کار برای تأمین نیاز پژوهشگران به یک مرجع کامل از سنجه‌های دینداری ساخته شده در روان‌شناسی دین انجام شده است. مهم‌ترین کاربرد آن جلوگیری از دوباره‌کاری پیش از ساخت سنجه جدید است (Hill & Hood, 1999: 1-3). مهم‌ترین بخش این پژوهش که با پژوهش حاضر هم ارتباط پیدا می‌کند، بررسی روایی سنجه‌های به‌کاررفته در این پژوهش‌ها است. مشابه ایرانی این پژوهش را کاظمی و فرجی با عنوان سنجه‌های دینداری در ایران انجام داده‌اند (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸).

بررسی و مقایسه پژوهش‌های دینداری: دسته دیگر از پژوهش‌های مرتبط، مواردی هستند که مطالعات دینداری را از جنبه‌های مختلف مقایسه کرده‌اند. سیدحسین سراج‌زاده و محمدرضا پویافر در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تجربی سنجه‌های دینداری» (۱۳۸۷) سه سنجه را در یک جمعیت واحد آزمون تجربی کرده‌اند تا تفاوت داشتن یا نداشتن میان مدل‌ها و سنجه‌های مأخوذ از آن‌ها را مشخص کنند (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷: ۲). سه سنجه‌ای که برای این منظور انتخاب شده‌اند، یکی سنجه بومی شده گلاک و استارک است که سراج‌زاده آن را به کار گرفته است و دیگری به پژوهشی مربوط است که خدایاری فرد در حوزه روان‌شناسی انجام داده و پژوهش سوم، مدل شجاعی‌زند است که حاصل نقد مدل‌های غربی و تلاش برای ارائه یک مدل بومی دینداری است (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷: ۱۲-۶). نتایج به‌دست‌آمده از به‌کارگیری هر سه سنجه روی نمونه واحد نشان می‌دهد تفاوت معناداری میان مدل‌های مختلف ارائه‌شده در سنجش دینداری وجود ندارد. آنان با استفاده از همان نتایج، روایی و پایایی آن سنجه‌ها را بررسی کرده‌اند و روایی معیار و روایی سازه هر سه سنجه نیز تأیید شده است.

بابک شمشیری نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقدی روش‌شناسانه بر مقیاس‌های ایرانی تهیه‌شده در حوزه

۵. آیا ابعاد دینداری به‌درستی سنجیده شده است؟ آیا سنجه به‌کاررفته با بعد مدنظر تناسب دارد؟ آیا در سنجه به‌کاررفته از همه مؤلفه‌های آن بعد پرسش شده است؟

۶. آیا گویه‌های به‌کاررفته در پرسشنامه، همان چیزی را می‌سنجند که برای آن ساخته شده‌اند؟

پس از بیان پیشینه پژوهش و چارچوب‌های مفهومی مطالعه، پرسش‌های فوق را درباره هر یک از پژوهش‌های منتخب بررسی خواهیم کرد. ابتدا تعریف و مدل دینداری را در هر پژوهش مطالعه و نقد خواهیم کرد؛ سپس روایی را در این مطالعات بررسی جامع خواهیم کرد که به بررسی سنجه پژوهش‌ها و گویه سنجه‌ها نیز منتهی خواهد شد.

### پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهش‌های انجام‌شده را برای سنجش دینداری در ایران مطالعه می‌کند. پس برای بررسی پیشینه آن باید مطالعاتی را بررسی کرد که به نوعی بر این قبیل پژوهش‌ها متمرکز شده‌اند. بررسی‌هایی که درباره مطالعات دینداری در ایران انجام شده است، اهداف، رویکرد و شیوه‌های متمایزی داشته‌اند. در عین حال آن‌ها را در سه دسته زیر می‌توان از هم تفکیک کرد:

- مطالعاتی با هدف جمع‌آوری، دسته‌بندی و معرفی مختصر پیمایش‌های سنجش دینداری در ایران؛
- مطالعاتی با هدف بررسی و مقایسه این پیمایش‌ها؛
- مطالعاتی که نتایج و داده‌های تعدادی از این پیمایش‌ها را فرا تحلیل کرده‌اند.

### شناسایی، معرفی و دسته‌بندی پژوهش‌های دینداری

در این‌گونه مطالعات، هدف اصلی، جمع‌آوری، تهیه و ارائه فهرستی جامع از مطالعات انجام‌شده در این زمینه است. هدف دیگری که در این‌گونه پژوهش‌ها به آن توجه می‌شود، دسته‌بندی مطالعات و پیمایش‌های دینداری بر مبنای خاص است. شاخص‌ترین کار در این زمینه، سنجه‌های

<sup>1</sup> Measures of Religiosity

بحران دینداری و افول دینداری را در نسل جدید ایران با تردید مواجه می‌کند (طالبان، ۱۳۸۲: ۱۱). اگرچه پژوهش‌های طالبان را در دسته فراتحلیل قرار دادیم؛ خود او نیز اذعان می‌کند که شیوه و ملزومات خاص یک فراتحلیل اصولی، در آن محقق نشده است (طالبان، ۱۳۸۲: ۳). با این حال چون از ترکیب یافته‌های چند پژوهش برای دستیابی به یک نتیجه جدید استفاده شده است، این عنوان را با قدری اغماض می‌توان برای آن پذیرفت.

پژوهش دیگری که در این دسته از آن می‌توان نام برد، مقاله‌ای است با عنوان «بررسی وضعیت دینداری در ایران» (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸). مسأله‌ای که مبنای پژوهش و نگارش این پژوهشگران بوده است، بررسی وضعیت دینداری در ایران با ترکیب و جمع‌بندی نتایج پیمایش‌های انجام‌شده دینداری در ایران است (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸: ۲). آن‌ها از وضعیت دینداری به جای میزان دینداری سخن می‌گویند و معتقدند پرسش از وضعیت، راه را باز می‌گذارد تا برای سنجش دینداری از روش‌های متفاوتی استفاده شود. همچنین از چگونگی وضعیت دینداری به جای مقدار عددی معین می‌توان سخن گفت، در همان حال که از مقادیر عددی نیز می‌توان بهره برد (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸: ۳). نویسندگان مقاله می‌کشند بر اساس داده‌های حاصل از پیمایش‌های ایرانی در زمینه دینداری، تصویری از وضع دینداری در ابعاد مختلف آن ارائه کنند (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸: ۵). از همین رو پژوهش ایشان را نیز در زمره مطالعات فراتحلیل می‌توان به شمار آورد، اگرچه خودشان چنین مدعایی را مطرح نکرده‌اند. کاظمی و فرجی با بررسی کوتاهی در مبنای سنجش دینداری، در نهایت مدل گلاک و استارک را برای بررسی خویش مناسب تشخیص داده و با مراجعه به پژوهش‌های پیشین، معرف‌هایی را هم برای ابعاد مختلف آن در نظر گرفته‌اند (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸: ۴). بر اساس همین معرف‌ها، یافته‌های پژوهش‌های مختلف سنجش دینداری در ایران را با هم مقایسه کرده و روند تغییرات در هر یک از معرف‌ها را در طول زمان بررسی

روان‌شناسی دین» برخی ملاحظات روش‌شناختی را در تهیه مقیاس‌های سنجش دینداری بحث و بررسی کرده است. شمشیری در این مقاله پس از بیان مقدمات نظری، مطالعات دینداری انجام‌شده در ایران را بررسی انتقادی می‌کند و نتیجه می‌گیرد مواردی همچون اشتباه و کج‌فهمی در مرحله استنتاج و تفسیر نتایج، ارائه تصویری غلط از مفاهیم دینی، تحمیل دیدگاه‌های مکاتب روان‌شناسی غربی بر مفاهیم اسلامی و بالاخره منتهی‌نشدن یافته‌ها و نتایج حاصل از پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده به نظریه یا الگوهای جدید، از عمده‌ترین اشکالات این‌گونه مطالعات است. او برای هر کدام از این اشکالات نیز شواهدی را بیان می‌کند (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۳). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نویسنده، مطالعات را نقد و بررسی تفصیلی نمی‌کند، بلکه مبنای این‌گونه مطالعات را نقد کرده و به ذکر شواهدی از مطالعات و مقایسه آن‌ها با یکدیگر بسنده می‌کند.

### فراتحلیل پژوهش‌های دینداری

فراتحلیل، یک روش نوین پژوهشی است که به سراغ نتایج پژوهش‌های انجام‌شده قبلی می‌رود. پژوهشگر در این مسیر، نتایج پژوهش‌های مختلف را با اصولی خاص، ترکیب می‌کند و نتایج جدیدی از آن استخراج می‌کند و در این فرایند آنچه را که موجب سوگیری در نتایج نهایی می‌شود، حذف می‌کند (آلن، ۱۳۷۴).

«افول دینداری و معنویت در ایران: توهم یا واقعیت» مقاله‌ای است با همین رویکرد که به قلم محمدرضا طالبان (۱۳۸۲) نگاشته شده است. مسأله طالبان در این مقاله، بررسی ادعای افول دینداری و معنویت در میان جوانان ایرانی است. او با فراتحلیل ۱۴ پژوهش انجام‌شده در ایران می‌کوشد نشان دهد مطالعات و پژوهش‌های علمی تا چه اندازه احساس ناخشنودی و نگرانی از وضعیت مذهبی مردم و به‌خصوص جوانان را تأیید می‌کند (طالبان، ۱۳۸۲: ۱). طالبان در نهایت نتیجه گرفته است که یافته‌های پژوهش‌های علمی، اعتبار نظریات

در مطالعات سنجش میزان دینداری، موضوع پژوهش، میزان دینداری فرد است؛ بنابراین با موضوعی نظری و دارای ابعاد و به همین علت پیچیده روبه‌رو هستیم و هنگامی که ملاحظات اجتماعی و روانی پرسش از موضوعاتی مانند دینداری را هم به این پیچیدگی بیفزاییم، مشخص می‌شود که در تهیه سنجۀ مناسب برای چنین موضوعاتی باید دقتی مضاعف به کار برد. برای تهیه سنجۀ مناسب، مسائل مختلفی را باید در نظر گرفت؛ اما به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، مهم‌ترین مسأله در تهیه سنجۀ، روایی آن است. روایی سنجۀ از جهات مختلف و به شیوه‌های متفاوتی بررسی می‌شود که با عناوین انواع روایی از هم مجزا شده‌اند. هر کدام از انواع روایی به نوعی خاص، روایی سنجۀ را بررسی می‌کنند. هر نوع از روایی، قابلیت‌ها و محدودیت‌های خاص خود را دارد؛ بنابراین برای بررسی روایی سنجۀ در یک موضوع خاص، از همه انواع روایی نمی‌توان بهره برد. هر سنجۀ‌ای برای هر موضوعی، به روایی خاص خود نیاز دارد. ممکن است برای بررسی روایی سنجۀ در برخی از موضوعات، همه انواع روایی کاربرد داشته باشد و در برخی دیگر تنها از یک یا دو نوع آن بتوان استفاده کرد؛ بنابراین لازم است در ابتدا بررسی شود که برای بررسی روایی سنجۀ میزان دینداری، کدام یک از انواع روایی مناسب‌تر است و کدام انواع آن هیچ مناسبیتی با آن ندارند.

### روایی محتوا<sup>۱</sup> در سنجش دینداری

تعیین روایی محتوا نخستین گام در بررسی تمامی سنجۀ‌ها است و در واقع شرط لازم و نخستین گام اساسی است که باید به آن توجه کرد (آلن، ۱۳۷۴: ۱۴۸)؛ به عبارت دیگر وقتی می‌توان بررسی روایی‌های دیگر را مطالعه کرد که از صحت و اعتبار خود سنجۀ با روایی محتوا اطمینان حاصل کرده باشیم. در حالی روایی‌های دیگر، کارآیی سنجۀ را در سنجش مفهوم با دیدگاهی کارکردی بررسی می‌کنند که روایی محتوا، خود سنجۀ و محتوای آن را بررسی می‌کند. روایی محتوا را درباره

کرده‌اند. آنان در حالی که برحسب نتیجه‌گیری نهایی، نگرانی در مورد افول دینداری و تنزل وضعیت دینی در ایران را بی‌دلیل می‌دانند، متذکر می‌شوند که داده‌های موجود برای پاسخ به چنین موضوعی ناکافی است و در اعتبار و روایی آن‌ها نیز تردید و اشکال وجود دارد (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۳).

در جمع‌بندی پژوهش‌های پیشین می‌توان گفت پژوهش حاضر از جنبه‌هایی، نظیر پژوهش‌های پیشین و از جهاتی، متمایز از آن‌ها است. همان‌گونه که از عنوان، مقدمه و مسأله پژوهش حاضر مشخص است، این مطالعه از نوع مطالعات درجه دوم است؛ زیرا می‌کوشد پژوهش‌های انجام‌شده سنجش دینداری در ایران را نقد و بررسی کند و از این نظر با پژوهش‌های دسته اول و دوم مشابه است. در عین حال به دلیل بررسی عمیق و جزئی‌تر پیمایش‌های دینداری در ایران، از آن‌ها متمایز می‌شود.

برتری پژوهش‌های دسته دوم در این است که پژوهش‌های دینداری در ایران را تنها معرفی نکرده و در نقد آن‌ها نیز کوشیده‌اند. از همین رو، پژوهش حاضر به این دسته از پژوهش‌ها شبیه‌تر است، در عین حال از نظر موضوع و مسأله مدنظر در پیمایش‌های دینداری، از آن‌ها نیز متمایز می‌شود. در حالی تمرکز پژوهش حاضر بر روایی پیمایش‌های دینداری است که پژوهش‌های دسته دوم تنها چند سنجۀ را مقایسه تجربی کرده یا مبانی ساخت آن‌ها را نقد کرده‌اند.

در آخر باید گفت زمانی پژوهشی را می‌توان فراتحلیل نامید که از نتایج تعدادی از پژوهش‌های انجام‌شده قبلی با اسلوبی خاص، برای نیل به مقصودی خاص استفاده کند و با ترکیب یافته‌های آنان به نتایج جدیدی دست پیدا کند. آشکار است که آنچه ما قصد انجام آن را داریم، با کارهای فراتحلیل بدین معنا نیز متفاوت است؛ بنابراین مهم‌ترین وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر کارهایی که روی پیمایش‌های دینداری در ایران انجام شده است، تمرکز آن بر مسأله روایی است.

### روایی در پژوهش‌های سنجش میزان دینداری

<sup>۱</sup> Content Validity

پژوهش‌ها، گزارش دیگران درباره دینداری فرد، به‌عنوان یک سنجه ملاک در نظر گرفته شده است. در حالی که می‌دانیم به دلایل اجتماعی و روانی، این گزارش چندان اطمینان‌بخش نیست. حتی در صورت صحت، این ملاک بسیاری از عوامل مؤثر در دینداری را نادیده می‌گیرد و تنها ظاهر یا ظاهرسازی فرد دیندار را به‌عنوان ملاک میزان دینداری می‌پذیرد که این هم پذیرفتنی نیست.

از گزارش فرد درباره دینداری خود نیز در برخی از پژوهش‌ها به‌عنوان یک معیار، در بررسی روایی وابسته به معیار استفاده شده است؛ برای مثال سراج‌زاده (۱۳۷۵) از همین روش استفاده کرده است. باید توجه داشته‌ایم که فرد به دینداری خود می‌دهد، ملاک مطمئنی نیست تا از آن بتوان روایی سنجه را سنجید؛ زیرا لزوماً برداشت فرد از دینداری خود با واقعیت دینداری او تطابق ندارد. افراد با روحیات مختلف، وضع دینداری خود را به صورت‌های متفاوتی گزارش و ابراز می‌کنند، برخی از افراد بیش از آنچه هستند و برخی دیگر کمتر از آن. همچنین مشخص نیست فرد با توجه به کدام ابعاد، دینداری خود را قضاوت کرده است. این در حالی است که پرسشنامه‌های دینداری معمولاً با ابعادی بی‌نهایت تفصیل‌یافته، دینداری را می‌سنجند. به‌راستی اگر گزارش فرد درباره دینداری خود، معیار مطمئنی به حساب می‌آمد، چه نیازی بود که دینداری را با ابعاد مختلف آن بسنجیم؟

پژوهش‌های دیگری نیز هستند که سنجه دیگری مانند پرسشنامه استفاده‌شده در پژوهش‌های دیگران را به‌عنوان سنجه معیار در نظر می‌گیرند و برای بررسی روایی، نتایج این دو سنجه را مقایسه می‌کنند؛ برای نمونه خدایاری‌فرد (۱۳۸۸: ۱۸۷) از سنجه آذربایجانی (۱۳۸۳) برای بررسی روایی ملاکی سنجه خود استفاده کرده است. روشن است در صورتی می‌توانیم از یک سنجه به‌عنوان معیار استفاده کنیم که اعتبار آن و اجماع بر سر آن مسلم باشد. در حالی که اساساً چنین سنجه‌ای هنوز وجود ندارد و تلاش پژوهشگران علاوه بر

همه موضوعات و سنجه‌ها می‌تواند به کار برد و بلکه لازم است به کار برده شود (Goodwin & Leech, 2003: 3)؛ بنابراین بررسی روایی محتوا در مطالعات سنجش میزان دینداری، ضروری است و چنانچه مشخص شود سایر انواع روایی در سنجش میزان دینداری، کاربرد زیادی ندارند، اهمیت آن افزون‌تر نیز خواهد شد. با وجود این، در بیشتر کتاب‌های روش، به روایی محتوا توجه اندکی شده است و به‌تبع آن و شاید به سبب دشواری‌هایش، بیشتر پژوهش‌ها نیز نسبت به آن بی‌توجه یا کم‌اعتنا بوده‌اند (Goodwin & Leech, 2003: 3).

### روایی ملاکی<sup>۱</sup> در سنجش دینداری

روایی ملاکی یا وابسته به معیار، زمانی قابلیت بررسی دارد که معیار شاخص و مطمئنی وجود داشته باشد. اگر در برخی موضوعات، اندازه معیاری وجود داشته باشد که صحت سنجه‌های ساخته‌شده را برحسب آن بتوان آزمون کرد، برای بسیاری از مفاهیم انتزاعی و پیچیده، چنین سنجه معیاری موجود نیست (دواس، ۱۳۷۵: ۶۳)؛ بنابراین درباره موضوعاتی مانند میزان دینداری، ملاک و معیار مطمئن و مورد اتفاق نمی‌توان یافت که بازنمایند میزان دینداری در افراد باشد. پس در این نوع مطالعات به‌دلیل نبود سنجه معیار مورد اجماع، روایی ملاکی در عمل کاربردی پیدا نمی‌کند. با وجود این، در برخی از پژوهش‌های سنجش دینداری از این نوع روایی هم استفاده شده است. پژوهشگران دینداری، این کار را با استفاده از سنجه‌های معیار متفاوتی انجام داده‌اند. در برخی از پژوهش‌ها، یک یا دو معرف مانند اعتقاد به خدا یا نمازخواندن را ملاک و معیار دینداری در نظر گرفته‌اند و از همبستگی بین نتایج آزمون خود با سنجه‌ای که فقط شامل این معرف‌ها است، برای تأیید روایی سنجه خود استفاده کرده‌اند. این در حالی است که تقلیل موضوع دارای ابعاد و پیچیده‌ای مانند دینداری با معرف‌های فراوان برای هر بعد، به یک یا چند معرف محدود، پذیرفتنی نیست. در برخی دیگر از

<sup>۱</sup> Criterion Validity

تشکیل یک زنجیره طولانی نیاز دارد و در نهایت نیز به دور می‌انجامد؛ به عبارت دیگر بررسی روایی یک سنجه به بررسی روایی سنجه دیگر گره می‌خورد و مشخص نیست این تسلسل تا کجا باید ادامه پیدا کند.

مسأله سوم، روش مواجهه با پاسخ منفی حاصل از بررسی روایی است. وقتی روایی سازه اصطلاحاً جواب نمی‌گیرد، چه نتیجه‌ای باید از آن گرفت؟ بی‌اعتباری سنجه یا بی‌اعتباری نظریه؟ یعنی در واقع آیا این سنجه ما است که نامعتبر است یا اینکه نتایج حاصل از سنجه ما به قدری دقیق بوده است که همچون یک مثال نقض، نظریه مبنای ما را هم ابطال کرده است (دواس، ۱۳۷۵: ۶۴).

### تحلیل عاملی<sup>۲</sup> در سنجش دینداری

تحلیل عاملی به‌عنوان یکی از راه‌های بررسی روایی سازه، کانون توجه بسیاری از پژوهشگران در بررسی روایی بوده است و به‌دلیل سادگی این نوع بررسی، بسیاری از پژوهشگران در پژوهش‌های اندازه‌گیری میزان دینداری، اساس بررسی روایی پژوهش‌های خود را تحلیل عاملی قرار داده‌اند (Goodwin & Leech, 2003: 4). در بررسی روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده می‌کنند تا نشان دهند گویه‌های پرسشنامه در قالب عوامل، ابعاد و مؤلفه‌های مدنظر را اندازه‌گیری می‌کنند. برای این منظور باید گویه‌هایی که برای ارزیابی یک بعد خاص طراحی شده‌اند، بار عاملی مشترک و معنادار داشته باشند؛ بنابراین شرط لازم یک بررسی روایی مناسب با تحلیل عاملی، طراحی مدل و تهیه سنجه مناسب بر مبنای این مدل است؛ بنابراین آنچه مهم است تعریف درست و دقیق از مدل، ابعاد، معرف‌ها و گویه‌ها و اطمینان‌یافتن از وجود روایی محتوای آن‌ها است. آن‌گاه تحلیل عاملی به ما در تأیید روایی کمک خواهد کرد. پس انجام تحلیل عاملی، بدون انجام بررسی‌های دقیق روایی محتوا، چندان کارآمد و مناسب به نظر نمی‌رسد. تحلیل

سنجش میزان دینداری تاکنون، در راستای دستیابی به چنین سنجه معتبری بوده است؛ بنابراین مشخص است استفاده از بررسی‌های روایی ملاکی در تأیید روایی سنجه اندازه‌گیری میزان دینداری، اساساً پذیرفتنی نیست.

### روایی سازه<sup>۱</sup> در سنجش دینداری

بررسی روایی سازه، اندکی متفاوت است. درست است که نظریات نسبتاً جاافتاده‌ای درباره تفاوت میزان دینداری در بین گروه‌های مختلف اجتماعی، سنی، جنسی، شغلی، درآمدی و تحصیلی وجود دارد؛ اما بسیاری از این نظریات در جوامع مختلف و در ترکیبات جمعیتی متفاوت، اشکال مختلفی به خود می‌گیرند و به همین علت، چندان تعمیم‌دانی و اتکاکردنی نیستند. وقتی برای بررسی روایی سازه از نظریات مربوط به تفاوت‌های گروهی استفاده می‌کنیم، باید به قدر کافی از صحت و اعتبار آن نظریات مطمئن باشیم؛ به عبارت دیگر وقتی از این روش در بررسی روایی می‌توانیم استفاده کنیم که تغییر در میزان مفهوم مورد سنجش، به‌ازای تفاوت‌های گروهی برایمان محرز و مسلم باشد. اساساً درباره موضوعی مانند میزان دینداری، نظریات محرز و شامل، به‌گونه‌ای که از آن‌ها در تأیید روایی سنجه بتوان بهره برد، یا وجود ندارد و یا بسیار اندک است و اگر هم مدعیانی داشته باشند، قطعاً مورد اجماع و تعمیم‌دانی نیست. مهم‌تر اینکه با اتکا به این نوع روایی، نقش ابطال‌کنندگی شواهد و امکان ساخت نظریه‌های رقیب نیز از بین می‌رود.

در بررسی روایی واگرا و همگرا نیز دو مشکل اساسی وجود دارد. اول اینکه، ادعای هم‌تغییری مثبت و منفی یک مفهوم با میزان دینداری، صرفاً در حد یک نظریه است. نظریاتی که با توجه به مفهوم پیچیده‌ای مانند دینداری، چندان یقین‌آور نیستند که بتوان از آن‌ها برای بررسی روایی سنجه به‌کاررفته استفاده کرد. دوم اینکه، روایی سنجش مفهوم دوم نیز خود مشکلی دیگر است و رفع آن از همین روش، به

<sup>2</sup> Factor Analysis

<sup>1</sup> Construct Validity

سطح اول: در بیشتر کتاب‌های روشی که از روایی سخن گفته‌اند، مقصود از روایی محتوا، شمول سنجه بر همه ابعاد مفهوم یا متغیر مورد سنجش است (آلن، ۱۳۷۴: ۱۴۸؛ سرندایک، ۱۳۶۶: ۲۴۳؛ کرلینجر، ۱۳۸۲: ۱۳۳)؛ به تعبیر دیگر سنجه‌ای، روایی محتوا دارد که از همه ابعاد مفهوم مورد بررسی پرسش کرده باشد. از این تعریف مشخص می‌شود که برای رسیدن به روایی محتوا در این سطح و فراهم آوردن امکان بررسی آن برای دیگران لازم است پژوهشگر، مفهوم مدنظر خود را به درستی و کفایت تعریف کند و ابعاد و مؤلفه‌های آن را مشخص کند (سرندایک، ۱۳۶۶: ۲۴۴). در واقع اعتبار آن سنجه، به صحت و جامعیت تعریف مفهوم مورد بررسی بستگی دارد (دواس، ۱۳۷۶: ۶۳)؛ بنابراین ضروری است پژوهشگر بر اساس یک مدل، ابعاد و مؤلفه‌های مفهوم مورد بررسی خود را معرفی کند. در حقیقت با استفاده از مدل باید بگوید قصد دارد چه چیزی را با چه ابعاد و مؤلفه‌هایی بسنجد تا مدعی او در این باره قابل بررسی و ارزیابی باشد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت تعریف کامل مفهوم و ارائه مدل مفهومی، شرط لازم روایی محتوا است. روایی محتوا از این روش، توانایی مجموعه سنجه و ابزار مورد استفاده در آن را در سنجش ابعاد و مؤلفه‌های معرفی شده در مدل و مفهوم مدنظر بررسی می‌کند.

سطح دوم: هنگامی که از شمول سنجه بر تمامی ابعاد مفهوم مدنظر اطمینان حاصل شد، لازم است در مورد سنجش درست هر بعد نیز این اطمینان حاصل شود. این بررسی، خود دو جنبه دارد؛ اول اینکه هر بعد با سنجه مناسب خود سنجیده شود و دوم، آن سنجه بتواند همه مؤلفه‌ها و وجوه آن بعد را بسنجد؛ به عنوان مثال برخی از مفاهیم، قابلیت اندازه‌گیری با ابزار پرسشنامه را ندارند. پس این ابزار، روایی لازم را برای سنجش چنان بعد یا مفهومی ندارد. در مطالعات سنجش میزان دینداری، مقوله‌ای مثل اخلاقیات که از ابعاد تشکیل دهنده دینداری است، قابلیت سنجش با ابزار پرسشنامه را ندارد؛ بنابراین سنجه آن دسته از پژوهش‌هایی که این بعد را با ابزار

عاملی، محدودیت‌هایی دارد که به دلیل همین کاستی‌ها برخی معتقدند تکیه و اعتماد زیاد بر تحلیل عاملی، باعث ایجاد ضعف در دلایل روایی سنجه می‌شود (Goodwin & Leech, 2003: 3). اولین و اساسی‌ترین مشکل تحلیل عاملی، وابستگی آن به پاسخ پرسش‌شوندگان است؛ یعنی تحلیل عاملی خود سنجه و گویه‌ها را بررسی نمی‌کند، بلکه با پاسخ‌ها سر و کار دارد. ممکن است با تغییر تعداد و ویژگی‌های گروه نمونه، نتایج تحلیل عاملی نیز دستخوش تغییر شود. همچنین تحلیل عاملی درباره ماهیت و عنوان عوامل چیزی به ما نمی‌گوید و فقط نقاط کانونی، نحوه و شدت ارتباط این نقاط با گویه‌ها را مشخص می‌کند، پس معیار روشنی برای حد پذیرش تحلیل عاملی وجود ندارد. به علاوه اینکه چه میزان از بار عاملی و چه میزان از خطا، نشان‌دهنده روایی سازه است، هم معلوم نیست.

بنابر آنچه از بحث‌های فوق درباره قابلیت و کاربردهای انواع روایی در سنجش دینداری گفته شد، نتیجه گرفته می‌شود که استفاده از روایی‌های سازه و ملاکی چندان موجه و کارساز نیست؛ بنابراین ضروری است در این قبیل پژوهش‌ها، از روایی محتوای سنجه استفاده شود. با این حال به نظر می‌رسد بیشتر پژوهش‌های سنجش میزان دینداری نسبت به بررسی روایی محتوا بی‌توجه یا کم‌اعتنا بوده‌اند. پیش از ورود به بررسی موردی و تفصیلی برخی از پیمایش‌های دینداری، لازم است مبحث روایی محتوا را با تفصیل بیشتر مرور کنیم. همچنین پیمایش و پرسشنامه بیان کنیم.

### روایی محتوا

همان‌گونه که از نام این نوع روایی مشخص است، در آن محتوای سنجه پژوهش و میزان روایی آن از نظر محتوا بررسی می‌شود. روایی محتوا را درباره همه موضوعات و سنجه‌ها می‌توان به کار برد. روایی محتوا در سه سطح بررسی می‌شود:



نمی‌تواند داور مناسبی برای تشخیص روایی باشد. داور علاوه بر تخصص در حوزه مدنظر و اشراف بر موضوع، باید ویژگی‌های دیگری نظیر تجربه کار پژوهشی در این زمینه و آشنایی با مباحث روشی نیز داشته باشد (حیدری، ۱۳۸۹: ۵۷-۵۶). مسأله بعدی، چگونگی استفاده از نظرات داوران و توضیح و تشریح آن است تا حدی که از فرایند آن، اطمینان حاصل شود. این در حالی است که بحث‌های روایی در پژوهش‌ها، به مختصرترین وجه و با چند جمله ساده برگزار می‌شود و معمولاً چنین گزارش می‌کنند که: «گویه‌های سنجه در اختیار تعدادی از داوران متخصص قرار داده شد و در نهایت تأیید شد». در حالی که لازم است پژوهشگر، چگونگی گرفتن نظرات داوران و مبنای ایشان را در ارزیابی و ارائه نظر و همچنین شیوه جمع‌بندی آن شرح دهد و معیار پذیرش و رد این نظریات را نیز ذکر کند.

هنگامی که بررسی روایی بر عهده متخصصان و داوران گذاشته می‌شود، باید برای آنان واضح باشد که چه چیزی را بررسی می‌کنند (کرلینجر، ۱۳۸۲: ۱۳۳). همان‌گونه که گفته شد، شرط اول و لازم در بررسی روایی یک پژوهش، داشتن مدلی مفهومی است. مراجعه به داوران برای بررسی روایی محتوای سنجه هم مستلزم وجود آن مدل مفهومی است. در صورت وجود مدل، داوران موظف هستند کفایت و صحت سنجه را با توجه به همان مدل بررسی کنند. بدیهی است بررسی روایی محتوا در پژوهش‌هایی که مدل مفهومی ندارند، از این طریق، ناممکن و بی اعتبار است؛ زیرا روایی محتوای سنجه را داوران در این موارد، بر اساس مدل‌های ذهنی خود که لزوماً اجماعی هم درباره آن ندارند، بررسی و ارزیابی خواهند کرد. اصولاً داوران علاوه بر اعلام نظر کوتاه، باید مبنای خویش را برای قضاوت درباره سنجه و یا هر بخشی از آن نیز بیان کنند تا وجود اختلاف احتمالی در مبانی ارزیابی داوران به‌گونه‌ای کنترل شود. این اشتراک در مبانی یا باید با مدل مفهومی تفصیلی ارائه‌شده از سوی پژوهشگر یا با آشکارکردن آن از سوی هر یک از داوران تأمین شود. در هر صورت، اظهار نظر

پرسشنامه سنجیده‌اند، بی اعتبار است. جنبه دوم این سطح از روایی، قابلیت اشتغال آن سنجه برای وجوه تشکیل‌دهنده هر بعد است. باید توجه داشت علاوه بر اینکه هر مفهوم، ابعادی دارد، هر بعد نیز دارای مؤلفه‌ها و اجزای مختلفی است و لازمه روایی محتوای سنجه، آن است که همه وجوه و اجزای آن نیز بررسی و پرسش شود؛ مثلاً برای سنجش عبادت‌های فردی، لازم است از همه واجبات و مستحبات عبادی پرسیده شود تا روایی محتوا در این سطح نیز مخدوش نشود.

سطح سوم: پس از اطمینان‌یافتن از جامع‌بودن سنجش آن مفهوم و شمولیت سنجه بر وجوه مختلف ابعاد آن، لازم است از صحت عمل آن سنجه نیز اطمینان حاصل شود؛ به‌عنوان مثال باید مشخص شود گویه‌های به‌کاررفته در پرسشنامه به‌مثابه ابزار سنجش، آیا از همان مؤلفه و جنبه مدنظر پرسیده است و آیا برداشت مخاطب از گویه‌ها همان چیزی است که مدنظر پژوهشگر بوده است (آلن، ۱۳۷۴: ۱۴۸). تحصیل روایی در این سطح و درباره ابزاری به نام پرسشنامه، مستلزم رعایت ریزه‌کاری‌های منطقی و زبانی است (اوپنهایم، ۱۳۷۵: ۶۶). تأکید بر رعایت این ملاحظات، برای آن است که گویه مدنظر، منظور اصلی پژوهشگر را به مخاطب منتقل کند و پاسخی را دریافت کند که موضوع آن پژوهش بوده است. روایی محتوا با تحلیلی منطقی، عهده‌دار تأمین و تضمین همین وجه از اعتبار است.<sup>۱</sup>

مسأله داوران در روایی محتوا: تشخیص روایی محتوا بر عهده داوران است و هر جا از روایی محتوا سخن گفته شده، مسائلی نیز درباره آن مطرح شده است. نخست، چگونگی انتخاب داوران است. بدیهی است هر کسی

<sup>۱</sup> البته برخی دیگر از صاحب‌نظران، این سطح از روایی محتوا را با همین مضمون، ذیل «روایی‌سازه» آورده‌اند. سرندایک بررسی ظاهر سنجه و ارتباط منطقی آن با مفهوم را با عنوان «روایی منطقی» مطرح کرده است (سرندایک، ۱۳۶۶: ۲۴۶). قاضی طباطبایی نیز به نقل از بوهرنستات به «روایی نظری» اشاره می‌کند و می‌گوید در بررسی روایی سازه حتماً باید به آن توجه شود و آن عبارت است از ارزیابی و بررسی رابطه بین نمادها یا گویه‌های یک سنجه با مفاهیم نهفته تشکیل‌دهنده سازه. نگاه کنید به: (قاضی طباطبایی، ۱۳۷۷: ۱۱۹).

می‌کند و توجه به تعریف عملیاتی آن، مقدمات لازم را برای ساخت و ارائه مدل فراهم می‌کند. تمامی تلاش‌ها در تعریف نظری دینداری، بر به‌دست‌آوردن حداکثر تمایز مفهومی استوار است، ضمن اینکه از خصلت تعمیمی آن نیز مراقبت می‌شود، در حالی که در تعریف عملیاتی برای فراهم کردن مقدمات ساخت مدل، ویژگی تفریدی و مصداقی دینداری برجسته می‌شود.

همان‌گونه که در طرح مسأله نیز اشاره شد، برخی از پژوهش‌های سنجش دینداری، به مقدمات نظری و مفهومی کار خویش توجه کافی نکرده و در نتیجه به‌خطا، برخی از مفاهیم نزدیک را به‌جای دینداری سنجیده‌اند. ما در این بخش، آن مفاهیمی را معرفی خواهیم کرد که در عین نزدیکی، مضامینی غیر از دینداری دارند و به‌دلیل بی‌دقتی‌های مفهوم‌شناختی در برخی از پژوهش‌ها، به جای دینداری قرار گرفته و سنجیده شده‌اند. بدیهی است هرگونه ابدال و جابه‌جایی مفهومی و فاصله‌گرفتن از مضمون مدنظر پژوهش، آثاری کاهنده بر روایی محتوای سنجه و نتایج پیمایش خواهد داشت. مصداقی از این خطای انجام‌شده در پژوهش‌های منتخب را در بخش انتهایی مقاله نشان خواهیم داد که بر گویه‌های به‌کاررفته متمرکز است.

«تلقی فرد از دین» به نگرش فرد به دین از بیرون اشاره دارد و دین برای فرد در این موضع، موضوع بررسی، ارزیابی و ابراز نظر است، نه موضوع پیروی. «انتظار از دین»، نوعی انتظار و توقع از دین است که بر اساس معیارهایی خارج از دین پدید می‌آید. گمان برآورده شدن نسبی این انتظارات می‌تواند موجب توجه و روی آوردن فرد به آن دین شود؛ اما «قرائت دینی» به برداشت‌های مختلف کلامی و تفسیری از آموزه‌ها و تعالیم یک دین خاص اطلاق می‌شود. در حالی که آموزه دینی، مضمونی ثابت و متعین دارد، قرائت‌های دینی بر اساس برداشت‌های مختلف، فحوا و مضامین مختلفی به آن می‌بخشد؛ اما «نگرش دینی» نگرشی است که بر اساس آموزه‌های یک دین خاص شکل می‌گیرد. مجموعه آموزه‌ها و

داوران درباره کفایت و صحت سنجه و ابعاد و معرف‌های هر یک از ابعاد و گویه‌های آن، منوط به دراختیارداشتن مدل و مبنای واحد است، در غیر این صورت، خود موجب بروز خطا است و بنابراین تحصیل روایی را از این روش با تردید مواجه می‌کند.

در عین حال باید توجه داشت که اصل و اساس روایی محتوا، همان تحلیل منطقی است که پژوهشگر از روایی سنجه خود دارد و ارائه می‌دهد. نظرات داوران تنها مکمل و مؤید آن تحلیل منطقی است و بیشتر از آن نیست. پس پیش از تفسیر نظرات داوران، پژوهشگر، خود باید روایی محتوای سنجه را در هر سه سطح مذکور، با تحلیلی منطقی بررسی و در صورت لزوم، اصلاحات لازم را در آن اعمال کند؛ سپس با در اختیار قراردادن سنجه و مبنای تحلیل منطقی خود همچون تعریف و مدل از داوران بخواهد درباره روایی محتوای سنجه بر همان اساس داوری نکنند. البته نظر منفی داوران هم می‌تواند ناشی از تردید در منطق و مبنای ارائه‌شده از سوی پژوهشگر و هم ناظر به تطبیق‌نداشتن سنجه به‌کاررفته با آن باشد.

### درباره تعریف دینداری

بر اساس آنچه در سطح نخست تحصیل روایی محتوا آمد، لازم است در نخستین گام پژوهش درباره دینداری، تعریفی از آن ارائه شود. این مقاله نمی‌خواهد تعریفی از دینداری ارائه کرده یا از تعریفی دفاع کند، هرچند که این کار برای بررسی روایی محتوای پیمایش‌های دینداری در این سطح لازم است. قصد ما در اینجا اشاره به غفلت‌های برخی از پیمایش‌های دینداری است که روایی آن‌ها به‌دلیل ارائه‌ندادن تعریف‌های نظری و عملیاتی از دینداری، آسیب دیده است.

در یک پژوهش میدانی برای سنجش میزان دینداری، به تعریفی از دینداری نیاز است که بتواند راهگشای پژوهشگر در تمییز مفهومی و ارائه مدل باشد. دقت در تعریف نظری دینداری، از آمیختگی آن با مفاهیم نزدیک به آن جلوگیری

بیان نشده باشد، اساساً اتکاکردنی و اطمینان‌آور نیست. لازم است پژوهشگر، توضیحاتی کافی در این مورد درباره‌ی مدل استفاده‌شده در پژوهش خود ارائه کند تا درباره‌ی آن بتوان ارزیابی و قضاوت کرد.

مدلی که عرضه می‌شود باید ارتباطی واضح با تعریف عملیاتی و از آن طریق با تعریف نظری دینداری داشته باشد. پس مدل مناسب، مدلی است که اولاً، مبنا و منطقی مطمئن و دوماً، پیوندی مشخص با عقبه‌ی نظری و آموزه‌ای خود داشته باشد.

امروزه چندبعدی‌بودن دینداری تقریباً به حقیقتی مورد اجماع تبدیل شده است. اختلاف‌های موجود در این باره نه بر سر آن، بلکه بر سر تعداد ابعاد و ماهیت و مشخصات آن است؛ بنابراین مطالعه‌ای جامع و کامل درباره‌ی دینداری، مستلزم استفاده از مدل‌هایی است که ابعاد و مؤلفه‌های دینداری را به کامل‌ترین و تفصیلی‌یافته‌ترین صورت ممکن ارائه کرده باشند.

چنانکه گفته شد، تعریف نظری دینداری می‌تواند عام باشد؛ اما تعریف عملیاتی آن خاص است و مرجع تعیین آن نیز جز همان دین نیست؛ زیرا مستلزم دانش الهیاتی و انطباق با آموزه‌های همان دین است (شجاعی‌زند، ۱۳۹۰). اگرچه دینداری در ادیان مختلف، به‌ویژه ادیان ابراهیمی، و جوهی مشترک دارد، در عین حال دارای وجوه و جنبه‌های متمایزی است که منحصر به همان دین است و در دیگر ادیان مشاهده نمی‌شود. پس به تبع تعریف عملیاتی دینداری، مدل مطالعه نیز باید با دین مورد بررسی متناسب باشد؛ بنابراین مدل‌هایی که متناسب با ادیان دیگر طراحی شده‌اند، برای سنجش دینداری مسلمانان مناسب نیستند. به همین دلیل حتی مدل‌ها و سنجه‌هایی که ادعای شمولیت و طراحی برای همه‌ی ادیان دارند نیز اعتبار لازم را برای سنجش دینداری مسلمانان ندارند.

در یک مدل مناسب باید ابعاد دینداری به درستی تفکیک، تعریف و جاگذاری شده باشند. از مهم‌ترین ایرادهای شایع در بعدشناسی دینداری، تفکیک‌نکردن ابعاد از یکدیگر است؛ مانند تفکیک‌نکردن و تمایزنگذاشتن میان بعد اعتقادات و

تعالیم یک دین باعث شکل‌گیری طرز تلقی و نگاهی در فرد می‌شود که به آن نگرش دینی می‌گویند. «خودپنداره‌ی دینی» تلقی فرد از وضع دینداری خود است. این تلقی با واقعیت دینداری فرد می‌تواند مطابق باشد یا نباشد. مشخص است که غالباً میان تصور فرد از میزان دینداری خود با میزان واقعی آن تفاوت وجود دارد. «هویت دینی»، همان دینداری اسمی و موروثی است و ارزشی بیشتر از داده‌های زمینه‌ای نظیر سن و تحصیل و شغل که در کنار پرسش‌های اختصاصی دینداری از فرد پرسیده می‌شوند، ندارد.

آشنایی با تعداد هرچه بیشتر مفاهیم نزدیک و در عین حال متمایز با مفهوم دینداری و دقت در معرف‌های متفاوت آن‌ها، کمک می‌کند از سنجش آن‌ها به جای دینداری در پیمایش جلوگیری شود.

گفتنی است مدل‌سازی برای سنجش دینداری بیش از تعریف، به معرفی دینداری نیاز دارد؛ یعنی اگر در سطح نظری، تعریفی تعمیم‌دانی و شامل از دینداری ارائه می‌شود، در مرحله‌ی ارائه‌ی تعریف عملیاتی برای ساخت مدل، باید دینداری را برحسب مشخصات همان دین تعریف کرد.<sup>۱</sup>

### درباره‌ی مدل دینداری

ضرورت استفاده از مدل در مطالعات دینداری، موضوعی است که درباره‌ی آن نمی‌توان تردید کرد. آنچه درباره‌ی روایی محتوا بیان شد نیز مؤید ضرورت استفاده از مدل است. ضرورت چندان‌ی ندارد که تعریف یا مدل مقبول خود را از دینداری در اینجا عرضه کنیم. هدف و مقصد پژوهش نیز چنین چیزی را اقتضا نمی‌کند. در عین حال لازم است درباره‌ی مشخصات یک مدل مناسب و مبنا و مأخذ ساخت آن، در تشریح پرسش فرعی دوم پژوهش، توضیحاتی ارائه شود.

بیش از محتوای مدل، مبنا و مأخذ ساخت آن اهمیت دارد. مدلی که مبنای ساخت یا منبع اخذ آن مشخص نباشد یا

<sup>۱</sup> برای اشاراتی درباره‌ی تعریف و معرفی و مشخصات و کاربردهای متفاوت آن‌ها، نگاه کنید به: (شجاعی‌زند، ۱۳۹۰).

گفت انجام یک پیمایش معتبر با استفاده از ابزار پرسشنامه، به صرف وقت، انرژی فراوان و دقت بسیار نیازمند است. گردآوری داده‌های کمی در مدت‌زمان اندک از یک نمونه بزرگ، مهم‌ترین مزیت این روش است. روشن است که این مزیت، زمانی کاربرد پیدا می‌کند که دستیابی به داده‌های کمی، کوتاهی زمان و کثرت جمعیت نمونه اهمیت داشته باشد. مهم‌تر از همه، امکانی است که این روش در تعمیم نتایج حاصل از نمونه در اختیار می‌گذارد.

هنگام استفاده از پرسشنامه، باید با محدودیت‌های آن آشنا بود تا از این ابزار بیش از ظرفیت آن انتظار نداشت. اصولاً هیچ ابزار همه‌کاره و کاملی برای سنجش وجود ندارد. هر سنجش بضاعت‌های محدودی دارد و باید با مفهوم یا بعد مورد سنجش، تناسب کافی داشته باشد. از آنجا که پرسشنامه حالات درونی و صفات و نیات افراد را نمی‌تواند بسنجد؛ از سنجش تمامی ابعاد و جنبه‌های دینداری نیز ناتوان است. از همین رو برای سنجش دینداری در کلیت آن باید از روش و ابزارهای دیگری نیز مدد جست. این در حالی است که بیشتر پژوهشگران، ابعاد و جنبه‌های مختلف دینداری را به سطوح قابل کشف و پرسش با پرسشنامه تقلیل می‌دهند و آن را با استفاده از همین ابزار می‌سنجند. این تقلیل‌گرایی روشی و ابزاری خصوصاً در سنجش ابعادی نظیر ایمان، اخلاق و عبادات به شدت منحرف‌کننده و آسیب‌رسان است. استفاده از ابزار پرسشنامه و به‌کارگیری گویه برای سنجش ایمان و اخلاق و وجوه عمیق عبادیات در افراد، در حالی است که اولاً، اطلاع و گزارش فرد پاسخگو از آن‌ها چندان دقیق و صائب نیست و دوماً، در پاسخگویان برای ابراز آن‌ها تمایلی وجود ندارد و سوماً، گزارش‌ها از آن‌ها هم غالباً، وضع یک‌دست و مقایسه‌پذیری پیدا نمی‌کند و تبدیل آن‌ها به شاخص‌ها و مقولات مدّ نظر پژوهش نیز عموماً، با مداخلات و اعمال سلیقه پژوهشگر همراه است؛ بنابراین باید گفت پرسشنامه در بهترین حالت، تنها وجوه ظاهری این مقولات را

ایمان. برخی دیگر از مدل‌ها، بعدی از ابعاد را ناگفته گذاشته‌اند؛ مانند بعد شریعت و بعد اخلاقیات در پیمایش‌هایی که با استفاده از مدل گلاک و استارک در ایران انجام شده است. بعضی از مدل‌ها نیز آثار و پیامدهای دینداری را به جای ابعاد آن بررسی کرده‌اند؛ مانند استفاده از تجربه دینی به‌عنوان بعدی از دینداری در برخی از پیمایش‌ها.<sup>۱</sup>

### درباره پیمایش و پرسشنامه

پیمایش<sup>۲</sup> در طرز تلقی معمول و مشهور، به پژوهشی اطلاق می‌شود که در آن گردآوری و تحلیل نتایج در مقیاس وسیع انجام می‌شود (دواس، ۱۳۷۶: ۱۳؛ اوپنهایم، ۱۳۷۵: ۹). اگرچه در پیمایش‌ها از روش‌های مختلف گردآوری داده‌ها می‌توان بهره برد؛ پرسشنامه رایج‌ترین روش گردآوری داده در پیمایش‌ها است. اولین عاملی که باعث می‌شود پژوهشگران، روش پیمایش را به‌عنوان روش پژوهش انتخاب کنند، همین لزوم انجام پژوهش در مقیاس‌های بزرگ جمعیتی است. این شاید مهم‌ترین وجه تمایز پیمایش و آزمایش نیز هست (اوپنهایم، ۱۳۷۵: ۹). تفاوت دیگر این دو روش، مداخله‌نکردن در پیمایش برخلاف امکان آن در آزمایش است (دواس، ۱۳۷۶: ۱۵). انجام پژوهش در نمونه‌هایی با تعداد زیاد، خود معلول علت دیگری است. به‌طور کلی هرگاه جمعیت نمونه پژوهش، گسترده باشد؛ تعمیم نتایج آن، مقبول‌تر خواهد بود؛ بنابراین طبیعی است که برای سنجش میزان دینداری افراد در یک منطقه جغرافیایی، یک گروه اجتماعی و حتی یک مدرسه، پیمایش به سایر روش‌ها ترجیح داده شود.

استفاده از پیمایش، یک تصمیم دوسویه است. در یکسو مزایا و امکاناتی است که در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد و در سوی دیگر، محدودیت‌هایی است که برای او ایجاد می‌کند. توجه ناکافی به این محدودیت‌ها ممکن است پژوهشگر را به خطا دچار کند. برخلاف آنچه گمان می‌رود که ساخت و اجرای یک پرسشنامه، کاری ساده است، باید

<sup>۱</sup> برای تفصیل در این باره، نگاه کنید به: (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴).

<sup>۲</sup> Survey

خویش یعنی نشان دادن ضعف‌های جدی در اعتبار یافته‌ها و گزارش‌های موجود از میزان دینداری در ایران نزدیک شده است. ملاک ما در تشخیص پژوهش‌های برجسته چه بوده است؟

اولین ملاک در انتخاب پژوهش‌های برجسته، انجام شدن آن پژوهش روی جمعیت نسبتاً گسترده‌ای بود؛ بنابراین پژوهش‌هایی که در سطح ملی و کشوری انجام گرفته باشند، اولویت نخست را دارند. انتخاب پژوهش‌ها بر مبنای فوق‌اولاً، به دلیل هزینه بالایی است که برای اجرای آن‌ها صرف شده، دواماً، انتظاراتی که پدید آورده‌اند و سوم اینکه، معمولاً نتایج این‌گونه پژوهش‌ها با اعتماد بیشتری تعمیم داده می‌شود و از نتایج آن‌ها برای مقایسه و تشخیص روند تغییرات دینداری در جامعه ایران و همچنین در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان، بیشتر استفاده می‌شود. پس بررسی روایی و نشان دادن خطاهای احتمالی این مطالعات، ضروری‌تر از پیمایش‌های محدود به لحاظ تعداد جمعیت نمونه است.

ملاک دوم انتخاب‌های ما، این بوده است که مطالعه را پژوهشگران و صاحب‌نظران برجسته حوزه مطالعات دینداری انجام داده باشند. از متخصص و پژوهشگر برجسته این حوزه به دلیل سابقه و تخصص او انتظار می‌رود که دقت بیشتری را در احراز روایی برای سنجۀ خویش به کار برد؛ زیرا اعتماد بیشتری به نتایج کار ایشان وجود دارد و به دلیل شهرت و موقعیت آنان، از این پژوهش‌ها بیشتر الگوبرداری می‌شود. بر همین اساس، ده پیمایش که بر سنجش میزان دینداری در ایران متمرکز بوده‌اند یا بخشی از مطالعه ایشان به سنجش دینداری یا جوهری از دینداری اختصاص داشته است، به شرح مذکور در جدول زیر برگزیده شده‌اند:

می‌تواند بسنجد و کشف وجوه عمیق و درونی‌تر آن، از عهده این ابزار خارج است.

این مسأله به جز ضعف ذاتی ابزار پرسشنامه است که هیچگاه امکان مواجهه مستقیم پژوهشگر را با موضوع پژوهش و در اینجا با واقعیت دینداری فراهم نمی‌کند. آگاهی و یافته‌های پژوهشگر در این شیوه، تنها با پاسخگویان به دست می‌آید و در غالب موارد هم هیچ راهکار مکملی برای کسب اطمینان از آن وجود ندارد و یا به کار گرفته نمی‌شود. به دلیل همین محدودیت‌ها همواره در تعمیم و استفاده از نتایج حاصل از پیمایش‌های انجام شده با ابزار پرسشنامه، باید بیشتر احتیاط کرد. این البته به معنای صرف نظر کردن از این ابزار نیست، بلکه به معنای لزوم توجه بیشتر به محدودیت‌های پرسشنامه، دقت در طراحی و ساخت آن، تحدید انتظارات، استفاده بجا و مناسب از نتایج پیمایش با ابزار پرسشنامه و اهتمام افزون‌تر در تحصیل روایی آن تا بالاترین حد ممکن است.

پس از مروری بر انواع روایی و کارایی آن در مطالعات دینداری و بیان نکاتی درباره تعریف دینداری و مدل آن و اشاراتی به قابلیت‌های پیمایش و پرسشنامه، اکنون دستمایه لازم برای واریسی مطالعات دینداری در ایران از حیث دارابودن روایی فراهم شده است. از آنجا که انجام این بررسی روی تمامی پیمایش‌های دینداری در ایران ممکن نبود، ناچار تعداد محدودی از پژوهش‌های شاخص از میان آن‌ها انتخاب و در بررسی وضع روایی از جنبه‌های مختلف بر همان موارد تمرکز شد.

### انتخاب پژوهش‌ها

پژوهش‌های بسیاری در یکی دو دهه اخیر روی میزان دینداری در ایران انجام گرفته است که پیش از این در برخی مطالعات، شناسایی شده‌اند.<sup>۱</sup> اگر این پژوهش، برجسته‌ترین مطالعات انجام شده در این حوزه را بررسی کند، به مقصود

<sup>۱</sup> نگاه کنید به: (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸).

جدول ۱- پیمایش‌های منتخب

عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال انجام	تعداد نمونه
گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران	اسدی	۱۳۵۳	۴۴۲۰
بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران	محسنی	۱۳۷۴	۳۵۴۰
نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن بر نظریه سکولارشدن*	سراج‌زاده	۱۳۷۵	۳۹۱
ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: موج اول	رضایی	۱۳۷۹	۱۶۸۲۴
ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: موج دوم	گودرزی	۱۳۸۱	۴۵۸۱
گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان	گودرزی	۱۳۸۳	۸۶۰۸
آماده‌سازی مقیاس دینداری و ارزیابی سطوح دینداری اقشار مختلف جامعه ایران	خدایاری‌فرد	۱۳۸۸	۱۳۸۶
پیمایش ملی سنجش دینداری در ایران	طالبان	۱۳۸۸	۵۰۰۰
دینداری ایرانیان	کاظمی و فرجی	۱۳۸۹	۳۴۹۳
دین و بزهکاری جوانان	ابراهیمی	۱۳۸۹	۵۰۰۰

\* این پیمایش، شرط نخست را ندارد؛ یعنی اجرای آن در سطح ملی است، در عین حال به دلیل داشتن دیگر شرایط به‌خصوص کثرت اقتباس از مدل آن انتخاب شده است.

پس از مشخص شدن دامنه پژوهش، بررسی خود را با پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در ابتدای مقاله و با مراجعه به پژوهش‌های منتخب ادامه می‌دهیم.

### تعریف دینداری در پژوهش‌های منتخب

آیا پژوهش، تعریفی روشن و دقیق از دینداری ارائه کرده است؟ این اولین پرسش فرعی این پژوهش است. برای بررسی روایی محتوا، بررسی تعریف اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا شرط لازم روایی محتوا، بیان تعریفی دقیق از مفهوم مورد بررسی است. با بررسی پیمایش‌های انجام‌شده در سنجش دینداری در ایران ملاحظه شد که از بین همه پژوهش‌های منتخب، فقط پنج پژوهش سراج‌زاده (۱۳۷۵)، خدایاری‌فرد (۱۳۸۸)، طالبان (۱۳۸۸)، کاظمی و فرجی (۱۳۸۹) و ابراهیمی (۱۳۸۹) تعریفی از دینداری ارائه کرده‌اند و دیگر پژوهش‌ها بدون ارائه تعریفی از دینداری، آن را سنجیده‌اند و از همین نظر مبنایی‌ترین کمبود را در مسأله روایی دارند. از میان

مطالعاتی که تعریفی از دینداری ارائه کرده‌اند، سراج‌زاده با اینکه تعریف مناسبی ارائه داده، هیچ استفاده‌ای از تعریف خود در ارائه تعریف عملیاتی و ساخت مدل نکرده است. کاظمی و فرجی و ابراهیمی، مسیر معکوس از مدل به تعریف را پیموده‌اند که به‌طور منطقی پذیرفتنی نیست و به‌سبب تأمین نکردن پشتوانه مفهومی و نظری مدل، نقص در روایی محتوا دارند. در پژوهش طالبان، تعریف‌های متعددی ارائه می‌شود و در نهایت از یکی از این تعریف‌ها که تعریف مناسبی نیز هست، برای ساخت مدل استفاده می‌شود. با این حال تعدد تعریف‌ها و ارائه نکردن جمع‌بندی مناسب از آن‌ها، نقص این پژوهش است. تعریف خدایاری‌فرد نیز اگرچه با مبانی مناسبی انجام شده و استفاده مناسبی هم از آن‌ها در تعریف عملیاتی دینداری شده است، در عین حال به دلیل بی‌توجهی به تفکیک دقیق میان دینداری و مفاهیم نزدیک، اندکی با مشکل روبه‌رو است.

جدول ۲- وضع پژوهش‌های منتخب از نظر تعریف دینداری و به‌کارگیری آن در ساخت مدل

پژوهش	تعریف	روش تعریف	استفاده در ساخت مدل	روایی محتوا
اسدی (۱۳۵۳)	ارائه‌نشده	-	-	ناقص
محسنی (۱۳۷۴)	ارائه‌نشده	-	-	ناقص
سراج‌زاده (۱۳۷۵)	ارائه	مرور نظری مناسب	استفاده‌نکردن	ناقص
رضایی (۱۳۸۰)	ارائه‌نشده	-	-	ناقص
گودرزی (۱۳۸۲)	ارائه‌نشده	-	-	ناقص
گودرزی (۱۳۸۳)	ارائه‌نشده	-	-	ناقص
خدایاری‌فرد (۱۳۸۸)	ارائه	مرور نظری مناسب	استفاده مناسب	مقبول
طالبان (۱۳۸۸)	ارائه	مرور نظری مناسب	استفاده مناسب	مقبول
کاظمی و فرجی (۱۳۸۹)	ارائه	مسیر از مدل به تعریف	استفاده معکوس	ناقص
ابراهیمی (۱۳۸۹)	ارائه	مسیر از مدل به تعریف	استفاده معکوس	ناقص

مدل دینداری در پژوهش‌های منتخب

در باره مدل در بخش نخست، پرسشی مطرح شد که خود شامل سه پرسش بود. پاسخ به هر سه پرسش برای بررسی روایی محتوای هر پژوهش ضروری است. این پرسش‌ها استفاده از مدل را در مفهوم‌سازی، مشخصات مدل و مبنای ساخت یا مرجع اخذ آن بررسی می‌کنند.

در پژوهش‌های اسدی (۱۳۵۳)، محسنی (۱۳۷۴)، رضایی (۱۳۸۰)، گودرزی (۱۳۸۲) و گودرزی (۱۳۸۳) از مدل مفهومی برای سنجش میزان دینداری استفاده نشده است؛ بنابراین گویه‌های آن‌ها نیز برگرفته از هیچ مدلی نیست. اگر نبود مدل دینداری در پیمایش‌های مذکور را با توجیه نداشتن ادعای سنجش دینداری بتوان پذیرفت و از تأثیر سوء آن بر روایی سنجش صرف نظر کرد؛ مشخص‌نکردن بعد یا جنبه مورد سنجش را نمی‌توان از ایشان پذیرفت؛ زیرا بدون آن، گویه‌های مرتبط با دین و دینداری در پرسشنامه‌های ایشان، بلا تکلیف و نامتعین خواهند ماند و کاربردی در حد چند پرسش منفرد پیدا خواهند کرد.

به‌طور کلی در این مطالعات، تنها توضیحاتی درباره نحوه تهیه پرسشنامه و منبع اخذ یا طراحی گویه‌های آن‌ها می‌توان به دست آورد؛ ولی درباره مدل دینداری یا مفهوم مورد سنجش، مطلبی در آن‌ها یافت نمی‌شود؛ بنابراین باید گفت

آن‌ها پیمایش‌هایی هستند که نه دینداری به‌مثابه یک مفهوم یا پدیده مرکب و نه حتی بعد یا جنبه مشخصی از آن، بلکه وجوه پراکنده و نامتعینی از آن را سنجیده‌اند؛ بنابراین نبود مدل در این نوع پیمایش‌ها موجب نقص جدی در روایی آن‌ها است، البته اگر مدعی سنجش دینداری در کلیت آن باشند یا چنین استفاده‌ای از آن‌ها بشود. غالباً هم چنین ادعایی را نداشته و یا به‌طور جدی مطرح نکرده‌اند، پس روایی آن‌ها نیز در این سطح اساساً موضوعیتی ندارد.

در حالی که روایی برای پژوهش‌های پیش‌گفته به‌دلیل تنازل آن‌ها به سطح پرسش و پاسخی ساده، موضوعیت ندارد؛ برای دیگر پژوهش‌های منتخب که بر مبنای یک مدل سامان یافته‌اند، جدی است. از بین این پژوهش‌ها، دو پژوهش از مدل اقتباسی، یک پژوهش از مدل ترکیبی و دو پژوهش دیگر از مدل دینداری ابداعی استفاده کرده‌اند. پژوهش سراج‌زاده (۱۳۷۵) و ابراهیمی (۱۳۸۹) با استفاده از یک مدل غربی دینداری انجام شده است که ادعای شمولیت دارد. به‌کاربردن این راهکار، یعنی استفاده از مدل‌های اقتباسی و به‌اصطلاح عام، روایی کار ایشان را مخدوش کرده است؛ زیرا مدل استفاده‌شده در آن، با دینداری رایج در این جامعه، انطباق کافی ندارد؛ بنابراین تناسب لازم میان مدل و متغیر مورد

### بررسی و گزارش روایی در پژوهش‌های منتخب

بنابر آنچه راجع به روایی سنجه و اهمیت آن در ایجاد اعتماد و استفاده از نتایج پژوهش‌ها آمد، بدیهی است هر پژوهش باید روایی سنجه خویش را بررسی جدی کرده و گزارش کاملی نیز از آن برای اطمینان خاطر مخاطبان و استفاده‌کنندگان از نتایج آن پژوهش ارائه کند. برخی پژوهشگران شاید بررسی روایی در فرایند پژوهش را جدی گرفته و در فرایند پژوهش خویش به‌خوبی به کار برده باشند و به‌واسطه آن، از نتایج پژوهش خویش نیز مطمئن باشند؛ اما نکته مهم و غالباً ناگفته تمامی این پژوهش‌ها، گزارش‌ندادن دقیق و مفصل آن به مخاطبان بوده است؛ زیرا مهم‌تر از کسب اطمینان پژوهشگر از روایی کار خویش، انتقال این اطمینان به دیگران است و از همین راه است که دانش به‌مثابه یک آگاهی مشترک و عمومی شکل می‌گیرد؛ اما با گزارش‌ندادن روایی، این اطمینان در مخاطب پژوهش‌های دینداری ایجاد نشده است. پرسش سوم پژوهش، به بررسی همین امر در پیمایش‌های سنجش دینداری در ایران اختصاص دارد.

بررسی روایی تنها در شش مورد از پیمایش‌های مورد بررسی گزارش شده است. دیگر پیمایش‌ها یا گزارشی از سنجش روایی ارائه نکرده و یا در حد جملاتی کوتاه، آن را ذیل روش تدوین پرسشنامه بررسی کرده‌اند. پژوهش‌های اسدی (۱۳۵۳)، گودرزی (۱۳۸۲)، گودرزی (۱۳۸۳) و طالبان (۱۳۸۸) هیچ توضیحی درباره بررسی روایی کار خویش ارائه نکرده است. در پژوهش گودرزی (۱۳۸۲) توضیحاتی کوتاه درباره چگونگی تدوین پرسشنامه و نحوه استفاده از نظرات کارشناسان در روند شکل‌گیری پرسشنامه ارائه شده است (گودرزی، ۱۳۸۲: ۲۵). گودرزی در پژوهش دیگر خود نیز از بررسی روایی، گزارشی ارائه نکرده است و با این توضیح که هدف آن، تکرار پیمایش‌های قبلی است و ناگزیر به استفاده از همان گویه‌ها با کمترین دخل و تصرف بوده (گودرزی، ۱۳۸۳:

۴۰) از بررسی روایی و گزارش آن خودداری کرده است. البته در انتهای پژوهش، گزارشی از پیش‌آزمون پرسشنامه آمده

سنجش برقرار نمی‌شود. از این کمبود با عنوان کمبود در بعدشناسی دینداری می‌توان یاد کرد.<sup>۱</sup>

پژوهش کاظمی و فرجی (۱۳۸۹) هم که از راهکار ساخت یک مدل ترکیبی برای رفع نقص مدل‌های موجود و نیل به یک مدل عام استفاده کرده است، همان ایراد پیش‌گفته را دارد. روایی‌نداشتن این راهبرد، بیش از نقصان در بعدشناسی دینداری، از نبود مقدمات مفهومی و نظری و معکوس‌شدن نسبت نظریه و مدل نشأت می‌گیرد. درواقع هیچ پشتوانه منطقی و نظری روشنی برای دفاع از اعتبار مدل ترکیبی نسبت به مدل‌های موجود وجود ندارد و به هیچ معیار و مبنایی هم برای انتخاب و واردکردن مدل‌ها در ترکیب، جز رواج آن‌ها اشاره نشده است.

خدایاری‌فرد (۱۳۸۸) و طالبان (۱۳۸۸) هم از مدل استفاده کرده‌اند و هم به سراغ طراحی مدلی خاص، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی رفته‌اند. با اینکه مدل‌های پیشنهادی ایشان با توجه به اختصاص داشتن به دین اسلام و قرارگرفتن بر منطق و مبانی نظری مناسب، قابل اعتمادتر است، در عین حال برخی نقص‌ها و آمیختگی‌ها در بعدشناسی دارد؛ مانند تفکیک‌نکردن ابعاد ایمان و اعتقادات و نبود بعد شریعت در مدل خدایاری‌فرد (۱۳۸۸) و قراردادن تجربه دینی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های دینداری در مدل طالبان (۱۳۸۸). وجود همین نقصان‌ها در صورت احراز، اعتبار مدل ایشان را می‌تواند با تردید مواجه کند و به همان میزان از روایی سنجه آن‌ها بکاهد. البته بررسی دقیق و مستند این موضوع و اعلام نظر قطعی درباره اعتبار مدل به‌کاررفته، مستلزم یک مدل مبنا است. از آنجا که هنوز چنین مدل مبنایی وجود ندارد که اعتبار و اجماع کافی داشته باشد؛ بررسی خود را در این‌باره بر اساس درک مشترک و متعارفی انجام داده‌ایم که از مدل دینداری اسلامی و ابعاد آن وجود دارد.

<sup>۱</sup> برای مطالعه ایرادهای بعدشناسی مدل گلاک و استارک که بسیاری از پیمایش‌های دینداری در ایران و ازجمله این دو پژوهش از آن اقتباس کرده‌اند، نگاه کنید به: (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴).



می‌شوند، پژوهشگر میان رفع نقصان‌های مربوط به روایی سنجه یا حفظ ثبات و یکسانی سنجه، محصور است و ظاهراً او دومی را ترجیح داده و ناچار از تأمین روایی آن صرف نظر کرده است. در این شرایط، سطح مطالعه از سنجش تغییرات یک مفهوم یا یک پدیده در گذر زمان، به سنجش تغییرات در سطح گویه‌های خاص تقلیل پیدا می‌کند.

است (گودرزی، ۱۳۸۳: ۲۸۳) که می‌شود آن را به نوعی با بررسی روایی صورتی مشابه دانست، در عین حال آن را به‌مثابه بررسی روایی سنجه به معنای کامل و دقیق آن نمی‌توان پذیرفت. بدین ترتیب هرگونه نقصان در روایی پژوهش‌های قبلی، عیناً به پژوهش او منتقل شده است. گفتنی است در پیمایش‌هایی از این نوع که بخشی از یکسری زمانی محسوب

جدول ۳- وضع پژوهش‌های منتخب از نظر مدل و بعدشناسی

پژوهش	نوع مدل	بعدشناسی مدل	روایی محتوا
سراجزاده (۱۳۷۵)	اقتباسی و عام	انطباق‌نداشتن با مسلمانی	نقص از دو نظر
خدایاری‌فرد (۱۳۸۸)	ابداعی و خاص	زیادت و کاستی در بعدشناسی	نقص احتمالی از یک نظر
طالبان (۱۳۸۸)	ابداعی و خاص	زیادت و کاستی در بعدشناسی	نقص احتمالی از یک نظر
کاظمی‌وفرچی (۱۳۸۹)	ترکیبی و عام	انطباق‌نداشتن با مسلمانی	نقص از دو نظر
ابراهیمی (۱۳۸۹)	اقتباسی و عام	انطباق‌نداشتن با مسلمانی	نقص از دو نظر

این گفته شد که اطمینان‌یافتن پژوهشگر از روایی سنجه، تنها یک مرحله از کار است و مهم‌تر از آن، انتقال این اطمینان به دیگران است تا نتایج حاصل از پژوهش به یک دانش معتبر علمی تبدیل شود. این کمبود حتی در آن دسته از پیمایش‌ها هم مشاهده می‌شود که بررسی روایی آن‌ها به‌درستی و کمال انجام شده است.

بررسی‌های روایی ملاکی در دو پژوهش سراجزاده (۱۳۷۵) و خدایاری‌فرد (۱۳۸۸) به‌دلیل نامطمئن‌بودن ملاک‌های انتخابی، پذیرفتنی نیست.<sup>۱</sup> بررسی روایی سازه با استفاده از تفاوت‌های گروهی نیز در دو پژوهش سراجزاده (۱۳۷۵) و رضایی (۱۳۸۰) انجام شده است. همان‌گونه که پیشتر گفته شد، روایی سازه بر مبنای تفاوت‌های گروهی، وقتی بررسی‌شدنی است که تغییر در میزان متغیر مورد سنجش، به‌ازای تفاوت‌های گروهی، محرز و مسلم باشد. در اینجا، به‌دلیل اطمینان‌نداشتن از تفاوت میزان دینداری در گروه‌های انتخابی، تأیید روایی ناممکن است.

در پژوهش طالبان (۱۳۸۸) نیز هیچ‌گونه بررسی روایی انجام نشده است و تنها به اشاراتی دربارهٔ تدوین سنجه اکتفا شده است. در این باره گفته شده است تا جایی که مفهوم‌سازی دینداری اجازه می‌دهد، از گویه‌هایی استفاده شده است که در پیمایش‌های ملی قبلی به‌ویژه پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۰ و ۱۳۸۲) به کار رفته است تا امکان مقایسهٔ نتایج و بررسی تغییرات طولی در طول زمان فراهم شود. این دلیل برای صرف‌نظرکردن از بررسی روایی سنجه، اگر از گودرزی (۱۳۸۳) پذیرفتنی باشد که به نوعی موج سوم کار مرحوم اسدی را به انجام رسانده است، از او پذیرفته نیست که با ارائهٔ مدل و سنجهٔ جدید، در صدد رفع نقصان کارهای قبلی بوده است.

پنج پژوهش از پیمایش‌های بررسی‌شده، روایی سنجهٔ خود را بررسی و گزارش کرده‌اند. چهار پژوهش از میان آن‌ها، بررسی روایی محتوا را با قضاوت داوران سامان داده‌اند. در این میان به‌جز پژوهش خدایاری‌فرد، پژوهش‌های دیگر به‌دلیل گزارش‌ندادن درست مشخصات داوران و سازه و کار داوری و مبنای قضاوت، چندان اعتمادکردنی نیستند. پیش از

<sup>۱</sup> استفاده از خودارزیابی به‌عنوان ملاک دینداری در پژوهش سراجزاده (۱۳۷۵) و استفاده از پرسشنامهٔ دیگران به‌عنوان ملاک پژوهش خدایاری‌فرد (۱۳۸۸).

است. البته نقصان‌های پیش‌گفته در این روایی کمابیش به قوت خود باقی است؛ اما استفاده از آن در پژوهش کاظمی و فرجی، پذیرفتنی نیست؛ زیرا با بررسی‌های دقیق روایی محتوا پشتیبانی نشده است.

تحلیل عاملی هم روشی است که در دو پژوهش از بین پیمایش‌های مذکور بررسی شده است. در پژوهش خدایاری‌فرد به دلیل استفاده نسبتاً مناسب از روایی محتوا و استفاده از روایی سازه با تحلیل عاملی، تا حدی پذیرفتنی

جدول ۴- وضع پژوهش‌های منتخب از نظر بررسی و گزارش روایی

نقص در روایی	نوع روایی بررسی شده	گزارش روایی	پژوهش
-	-	ارائه نشده	اسدی (۱۳۵۳)
نبود تشریح و توضیحات اطمینان‌آور از قضاوت داوران	محتوا	ارائه	محسنی (۱۳۷۴)
نبود اطمینان به ملاک، نبود اطمینان به نظریه،	ملاکی، سازه، محتوا	ارائه	سراج‌زاده (۱۳۷۵)
نبود تشریح و توضیحات اطمینان‌آور از قضاوت داوران	سازه، محتوا	ارائه	رضایی (۱۳۸۰)
نبود تشریح و توضیحات اطمینان‌آور از قضاوت داوران	-	ارائه نشده	گودرزی (۱۳۸۲)
اکتفا به چگونگی تدوین پرسشنامه و چگونگی استفاده از نظرات کارشناسان	-	ارائه نشده	گودرزی (۱۳۸۳)
ناگزیر از اعتماد به روایی پیمایش‌های قبلی	ملاکی، تحلیل عاملی، محتوا	ارائه	خدایاری‌فرد (۱۳۸۸)
نبود اطمینان به ملاک، نبود کفایت تحلیل عاملی،	-	ارائه نشده	طالبان (۱۳۸۸)
نبود تشریح و توضیحات اطمینان‌آور از قضاوت داوران	تحلیل عاملی	ارائه	کاظمی و فرجی (۱۳۸۹)
اکتفا به اشاراتی درباره چگونگی تدوین سنجه کافی نبودن تحلیل عاملی	اشاره به روایی پیمایش مورد اقتباس	ارائه	ابراهیمی (۱۳۸۹)

### بررسی روایی محتوای پژوهش‌های منتخب

پیش از این توضیح داده شد که تنها روایی مناسب برای پیمایش‌های دینداری، روایی محتوا است و انواع دیگر آن چندان اطمینان‌بخش نیستند و به کار نمی‌آیند. با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد بیشتر پژوهش‌های منتخب، روایی محتوا را به کار نبرده و یا به درستی و کامل به انجام نرسانده و گزارش نکرده‌اند. همین امر نشان‌دهنده وجود نقصان جدی در پیمایش‌های دینداری در ایران است و از همین رو به نتایج این نوع پژوهش‌ها نمی‌توان اعتماد کرد. وضع روایی پژوهش‌های منتخب تا بدین مرحله در سطح مفهوم‌شناختی و

ساخت و ارائه مدل بررسی و نتیجه آن در جدول‌های بالا گزارش شد. در این مرحله، وضع روایی محتوای پیمایش‌های مذکور را از نظر شمول سنجه، تناسب سنجه و گویه‌های به‌کاررفته در پرسشنامه بررسی خواهیم کرد. این سه جنبه، متناظر با سطوح مورد بررسی در روایی محتوا و در پاسخ به سه پرسشی است که در بیان مسأله مطرح شد.

#### شمول سنجه: پرسش چهارم پژوهش برای بررسی سطح

اول روایی محتوا، ناظر به بررسی شمول سنجه بر همه ابعاد دینداری است، البته اگر داعیه سنجش دینداری در تمامیت آن را داشته باشد. در پژوهش‌های بدون مدل، از مفاد گویه‌های

امتیاز شمول سنجه می‌توان دانست. در عین حال پرسش از مفاهیم غیرمرتبط دیگر با ابعاد در برخی گویه‌ها، ویژگی شمولیت سنجۀ این پنج پژوهش را تا حدی تضعیف کرده است؛<sup>۲</sup> زیرا نشان‌دهندۀ تطابق‌نداشتن لازم میان مدل و سنجۀ به‌کاررفته است. ضمن اینکه ترکیب نتایج این گویه‌ها با سایر گویه‌ها، نتیجۀ نهایی دینداری را نیز با مشکلاتی مواجه خواهد کرد.

پژوهش‌های بدون مدل نیز حتی با کنکاش در گویه‌ها و تلاش برای تشخیص ارتباط آن‌ها با ابعاد و وجوه دینداری، پاسخگوی الزامات روایی محتوا در سطح اول نیستند. در عین حال باید توجه داشت بررسی شمول سنجه در پیمایش‌هایی که در آن‌ها هیچ مدل مفهومی وجود نداشته و داعیه‌ای درباره سنجش دینداری در کلیت آن ندارند، اساساً موضوعیت ندارد. نبود روایی در آن‌ها اساسی‌تر از این سطح از بررسی است.

تناسب سنجه: پرسش پنجم، به تناسب سنجه یا سنجه‌های به‌کاررفته با ابعاد مختلف دینداری مربوط است. برای پاسخ به این پرسش، سنجۀ استفاده‌شده برای هر بعد را از دو جنبه باید بررسی کرد. نخست، تناسب سنجه با آن بعد و دوم، شمول سنجه بر همه مؤلفه‌های آن بعد است. باید توجه کرد که این موضوع با شمولیت سنجه که پیش از این بررسی شد، متفاوت است. در حالی که آنجا شمولیت کل سنجه بر ابعاد مدل را بررسی کردیم، در اینجا این نکته را بررسی می‌کنیم که آیا سنجه، همه مؤلفه‌ها و اجزای یک بعد را پوشش داده است یا خیر؟ بدیهی است که در پژوهش‌های بدون مدل، به دلیل تصریح نکردن ابعاد و مشخص نبودن ارتباط گویه‌ها با ابعاد، این پرسش چندان موضوعیتی ندارد.

آن‌ها، ابعاد سنجیده‌شده دینداری را به‌گونه‌ای می‌توان حدس زد و با ابعاد مفروض دینداری<sup>۱</sup> تطبیق داد تا میزان شمول سنجۀ آن‌ها در سنجش دینداری به دست آید؛ اما در پژوهش‌های دارای مدل کافی است سنجه یا سنجه‌های مورد استفاده با ابعاد و مؤلفه‌های مذکور در آن مطابقت داده شود.

توجه به دو نکته در اینجا لازم است. نخست آنکه در این سطح تنها بر سنجیدن یا نسنجیدن ابعاد منظور شده در مدل تمرکز خواهیم داشت و سنجش درست و کامل هر بعد، مسأله‌ای دیگر است که در مرحله بعدی بررسی خواهد شد؛ بنابراین درج حتی یک گویه در پرسشنامه برای سنجش هر بعد کفایت می‌کند. گویه‌ها در این مرحله، صرفاً بررسی صوری می‌شوند تا با مؤلفه‌ها و ابعاد مدل متناظر باشند و بررسی تفصیلی آن‌ها از نظر صحت و کفایت، در بررسی پرسش ششم مطالعه خواهد شد. نکته دوم اینکه، بررسی ما درباره شمول سنجه، صرف‌نظر از تطابق و تناسب آن مدل با دینداری مسلمانی، با نظر به همان مدلی انجام می‌گیرد که از سوی پژوهشگر برگزیده شده است؛ یعنی سنجیده‌شدن یا نشدن تمامیت دینداری برحسب مدل ارائه‌شده پژوهش بررسی می‌شود.

از میان پژوهش‌های منتخب، تنها پنج پژوهشی که بر مدلی استوار بوده و دینداری را در کلیت آن سنجیده‌اند، از آزمون سطح اول روایی محتوا، سربلند بیرون آمده‌اند. سنجۀ پژوهش‌های طالبان (۱۳۸۸) و کاظمی و فرجی (۱۳۸۹) همه ابعاد مدل آن‌ها را شامل می‌شود؛ یعنی فارغ از ایرادهایی که ممکن است مدل یا سنجۀ آن‌ها داشته باشد، همه ابعاد سنجش‌شدنی دینداری را به نوعی در پرسشنامه به‌عنوان سنجۀ خویش آورده‌اند. پژوهش خدایاری‌فرد (۱۳۸۸) نیز صرف‌نظر از ایرادهای احتمالی موجود در بعدشناسی آن، این امتیاز را دارد. سنجه‌های به‌کاررفته در پژوهش‌های سراج‌زاده (۱۳۷۵) و ابراهیمی (۱۳۸۹) هم به مدل خویش وفادارند و تمامی ابعاد مذکور در آن را پوشش داده‌اند؛ بنابراین آن‌ها را نیز دارای

<sup>۱</sup> بر اساس همان درک مشترک و متعارف از مدل دینداری و ابعاد آن در اسلام.

<sup>۲</sup> در پژوهش طالبان (۱۳۸۸) گویه‌هایی وجود دارند که به جای پرسش از ابعاد مدل از مفاهیمی مانند «خودپنداره دینی» و «معلومات دینی» پرسش کرده‌اند. در پژوهش خدایاری‌فرد (۱۳۸۸) مفاهیم «قرائت دینی»، «تلقی از دین»، «گرایش دینی» و «معلومات دینی» و برخی از ابعاد محذوف از مدل، مثل «ایمان» و «شرعیات» نیز پرسیده شده است. در پژوهش سراج‌زاده (۱۳۷۵) از مفاهیم «قرائت دینی»، «تلقی از دین» و «قلمرو دین» علاوه بر ابعاد مدل پرسش شده است.

استفاده از پرسشنامه برای سنجش تجربه دینی در اغلب پژوهش‌ها و سنجش اخلاق در برخی از آن‌ها، خطای شایعی است که کمتر بدان توجه شده است. برای سنجش این ابعاد و مؤلفه‌های دینداری باید از روش‌ها و سنجه‌های دیگری استفاده کرد و یا لاقلاً همچون طالبان، در عین استفاده به نقصان‌های آن نیز اذعان و با نتایج آن با احتیاط برخورد کرد. برای تعیین و طراحی معرف‌های مناسب و کافی برای هر بعد، علاوه بر دقت لازم، باید از متخصصان حوزه مدنظر نیز استفاده شود. آنچه مشخص است نقص موجود در بیشتر این آثار در رعایت شمول سنجه بر بعد مدنظر و نبود منطق مشخص در حذف برخی از مؤلفه‌ها و معرف‌ها برای کوتاه‌کردن حجم پرسشنامه است.

در بحث از محدودیت‌های پرسشنامه گفته شد که این ابزار، حالات درونی و صفات و نیات افراد را نمی‌تواند بسنجد؛ بنابراین توانایی سنجش آن جنبه از دینداری را نخواهد داشت که واجد این خصوصیات است. اگرچه ممکن است اصرار بر گنجاندن گویه‌هایی برای شناسایی این وجوه در پرسشنامه بر میزان شمول سنجه بیفزاید؛ اما به دلیل تناسب‌نداشتن سنجه با بعد یا مؤلفه مورد بررسی، از اعتبار نتایج آن می‌کاهد. این تقلیل‌گرایی روشی و ابزاری، خصوصاً در سنجش ابعادی نظیر ایمان، اخلاق و عبادات به شدت منحرف‌کننده و آسیب‌رسان است. این در حالی است که کمتر پیمایشی وجود دارد که از ابزار مکملی به‌جز پرسشنامه استفاده کرده باشد. همچنین کمتر پژوهشی وجود دارد که با اذعان بدین کمبود، متواضعانه تصریح کند که تنها جوهی از دینداری را سنجیده است.

جدول ۵- وضع پژوهش‌های منتخب از نظر تناسب سنجه

پژوهش	تناسب سنجه با بعد	شمول سنجه بر وجوه هر بعد
سراج‌زاده (۱۳۷۵)	پرسش از تجربه دینی	نقص در پرسش از ابعاد اعتقادی و مناسکی
خدایاری‌فرد (۱۳۸۸)	پرسش از تجربه دینی و اخلاق	نقص در پرسش از ابعاد باور دینی و عبادات
طالبان (۱۳۸۸)	پرسش از تجربه دینی و اخلاق، اذعان به تناسب‌نداشتن سنجه	پوشش هر بعد با سنجه
کاظمی و فرجی (۱۳۸۹)	پرسش از تجربه دینی و اخلاق	نقص در پرسش از اعتقادات، واجبات و شرعیات
ابراهیمی (۱۳۸۹)	پرسش از بعد تجربه دینی	نقص در سنجش همه ابعاد

مفهومی نشان دهد (جدول‌های ۶ تا ۱۰)؛ اما جلوه بارز آن در آن دسته از گویه‌هایی است که ابهام اساسی دارند (جدول ۱۲)؛ یعنی حتی با احتمال هم نمی‌توان تشخیص داد که چه جنبه‌ای از دینداری را می‌سنجند. بی‌توجهی و دقت ناکافی در تعریف دینداری و جنبه اشاره شد و آن ابهام در عبارت‌پردازی است. این گویه‌ها به دلیل وجود این نقص، منظور خود را به‌طور مناسب به مخاطب منتقل نمی‌کنند و در نتیجه پاسخ‌های مناسبی هم دریافت نمی‌کنند. این ایراد ممکن است خود را در برخی مصداق‌های ناشی از ایراد دوم، یعنی نقص در دقت‌نظرهای

گویه‌ها: آمیختگی و خطای رایج در گویه‌ها از دو ناحیه پدید می‌آید: ۱- ضعف و ابهام در عبارت‌پردازی و ۲- نقص در دقت‌نظرهای مفهومی. گویه‌های به‌کاررفته در پژوهش‌های منتخب ایرادهایی دارند که در سطح سوم روایی محتوا بدان اشاره شد و آن ابهام در عبارت‌پردازی است. این گویه‌ها به دلیل وجود این نقص، منظور خود را به‌طور مناسب به مخاطب منتقل نمی‌کنند و در نتیجه پاسخ‌های مناسبی هم دریافت نمی‌کنند. این ایراد ممکن است خود را در برخی مصداق‌های ناشی از ایراد دوم، یعنی نقص در دقت‌نظرهای

حالی که آموزه‌ها و تعالیم یک دین، مضمونی ثابت دارند؛ قرائت‌ها و برداشت‌ها از آن به هر دلیل ممکن است متعدد و متفاوت باشد. اگر پرسش از قرائت دینی به تسامح و با رعایت برخی ملاحظات بتواند نشان‌دهنده نوع دینداری آن فرد باشد، به هیچ رو مبین میزان دینداری او نخواهد بود.

دارند. به برخی از این مفاهیم نزدیک و در عین حال متفاوت در بخش تعریف دینداری اشاره شد. در ادامه ضمن توضیحاتی درباره تمایزات معنایی آن‌ها، به برخی از مصادیق آن در پژوهش‌های منتخب اشاره خواهد شد. قرائت دینی: این مفهوم، به برداشت‌های مختلف کلامی و تفسیری از آموزه‌ها و تعالیم یک دین خاص اشاره دارد. در

جدول ۶- گویه‌هایی که به جای دینداری یا ابعاد مقصود، «قرائت دینی» فرد را سنجیده‌اند.

مقصد سنجش	شماره گویه	پژوهش	گویه
دینداری	۸	رضایی (۱۳۸۰)	بعضی‌ها معتقدند دینداری به قلب پاک است هر چند آدم اعمال مذهبی (نماز، روزه و ...) را انجام ندهد. شما با این نظر بیشتر موافقید یا مخالف؟
دینداری	۹	رضایی (۱۳۸۰)	بعضی معتقدند اگر دین از سیاست جدا باشد، پاک‌تر می‌ماند. شما با این نظر بیشتر موافقید یا مخالف؟
دین و جامعه	۱۵۶	گودرزی (۱۳۸۲)	بعضی‌ها معتقدند دین باید از سیاست جدا باشد. نظر شما چیست؟
باور دینی	۲۴	خدایاری‌فرد (۱۳۸۸)	توسل به اولیای الهی از مهم‌ترین راه‌های ارتباط با خداست.
اعتقادات	۲-۷	ابراهیمی (۱۳۸۹)	رستگاری در آخرت از موفقیت در دنیا مهم‌تر است.
پیامدی	۲-۱۵	ابراهیمی (۱۳۸۹)	بر اساس احکام دین باید جامعه را اداره کرد.

گویه‌های دو وجهی: گویه‌های جدول ۸ با اینکه برای سنجش برخی ابعاد و مؤلفه‌های دینداری طراحی شده‌اند؛ بیشتر برای استفاده در مجموعه‌ای از گویه‌ها برای سنجش نوع خاصی از دینداری مناسب به نظر می‌رسند. مسأله‌ای که درباره استفاده از این گویه‌ها در پرسشنامه‌های سنجش میزان دینداری وجود دارد، این است که نباید هم‌تراز و هم‌وزن سایر گویه‌ها ارزیابی و نمره‌دهی شوند؛ زیرا رفتارهای دینی خاصی هستند که در مقایسه با سایر واجبات و مستحبات، اهمیت نازل‌تری دارند و بر انجام آن‌ها تأکید کمتری شده است. وقتی سنجش‌های نمی‌خواهد با جزئیاتی مفصل، دینداری را بسنجد، حضور چنین گویه‌هایی در نبود مفاهیم با اهمیت بیشتر، چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. البته در مورد سنجش‌هایی که با تفصیل بیشتر، ابعاد را سنجیده‌اند، حضور این گویه‌ها بدون اشکال است؛ اما سنجش هم‌تراز و هم‌وزن مفاهیم با اهمیت

معلومات دینی: داشتن دانش و معلومات دینی می‌تواند «نشانه»‌ای از دینداری فرد باشد<sup>۱</sup>. در عین حال مواردی مانند آموزش دینی اجباری، سابقه دینداری قبلی و علاقه یا لزوم یادگیری برخی اطلاعات دینی ممکن است نتایج حاصل از سنجش چنین نشانه‌ای را با خطا مواجه کند<sup>۲</sup>؛ اما آنچه گویه‌های زیر را با مشکل مواجه کرده است، پرسش از معلومات دینی فرد برای سنجش ابعاد دیگر است؛ به‌عنوان مثال گویه‌ای که به قصد سنجش اعتقادات در سنجش گنجانده شده، به دلیل خطا در عبارت‌پردازی، در عمل از معلومات دینی فرد پرسش کرده است.

<sup>۱</sup> برای اشاراتی درباره تفاوت میان ابعاد دینداری و نشانه‌های دینداری، نگاه کنید به: (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴).

<sup>۲</sup> سراج‌زاده در پژوهش خویش به این مسأله توجه کرده است و به همین دلیل، بعد معلومات دینی را از مدل خود که برگرفته از گلاک و استارک است، حذف کرده است. نگاه کنید به: (سراج‌زاده، ۱۳۷۷).

شده‌اند. حتی مدل‌های اندکی که سطوح مختلف اهمیت را از هم تفکیک کرده‌اند، در هنگام نمره‌دهی، سطوح مختلف را از هم متمایز نکرده‌اند. پس ایراد وارد بر این گویه‌ها نه بر خود گویه‌ها که بر استفاده نامناسب از آن‌ها است.

متفاوت همچنان ایراد اساسی این سنجه‌ها است که البته ناشی از ایجاد نکردن تمایز در سطح مفهومی و هنگام مدل‌سازی است. این ایراد را تقریباً همه مدل‌های دینداری دارند، حتی مدل‌هایی که با مبانی صحیح و مبتنی بر مسلمانی ساخته

جدول ۷- گویه‌هایی که به جای ابعاد مقصود، «معلومات دینی» فرد را سنجیده‌اند.

مقصود سنجش	شماره گویه	پژوهش	گویه
باور دینی	۳	خدایاری‌فرد (۱۳۸۸)	وجود قیامت برای اجرای عدالت خداوند ضروری است.
باور دینی	۱۱	خدایاری‌فرد (۱۳۸۸)	روز قیامت، خداوند ممکن است از حق خود بگذرد ولی از حق مردم گذشت نمی‌کند
اعتقادات	۱۱	طالبان (۱۳۸۸)	روح انسان پس از مرگ به عالم برزخ منتقل می‌شود.
رفتار دینی	۸۹	طالبان (۱۳۸۸)	مصرف مشروب یا آبجو در حدی که زیاده‌روی نباشد، اشکالی ندارد.
رفتار دینی	۹۲	طالبان (۱۳۸۸)	پاسوربازی کردن شرطی، اشکال ندارد.
رفتار دینی	۹۹	طالبان (۱۳۸۸)	اگر کسی حاضر باشد به شما ۱۰ میلیون تومان قرض دهد ولی شرط کند که سال بعد ۱۲ میلیون تومان می‌گیرد، چقدر احتمال دارد از او قرض بگیرید؟
شرعیات	۵۶	کاظمی و فرجی (۱۳۸۸)	اگر برای خانواده‌ای بارداری ناخواسته‌ای پیش آید و در مورد سقط جنین با شما مشورت کنند، به این خانواده چه توصیه‌ای می‌کنید؟

جدول ۸- گویه‌های دو وجهی

مقصود سنجش	شماره گویه	پژوهش	گویه
رفتارهای مذهبی	۳۳-۵	محسنی (۱۳۷۴)	رفتن به دعای کمیل.
مناسک دینی	۲۳	سراجزاده (۱۳۷۵)	تا چه حد با مسجد محل یا هر مؤسسه اسلامی دیگری همکاری دارید؟
دینداری	۱۴	رضایی (۱۳۸۰)	هر چند وقت یکبار در نماز جمعه شرکت می‌کنید؟
رفتارهای مذهبی	۸	گودرزی (۱۳۸۳)	برای حل مشکلات به نذر و نیاز متوسل می‌شوید؟
عمل به وظایف دینی	۹۴	خدایاری‌فرد (۱۳۸۸)	کتاب‌های دینی را مطالعه می‌کنم.
مناسک دینی	۳۹	ابراهیمی (۱۳۸۹)	چند بار در جلسات دسته جمعی تلاوت قرآن شرکت کرده‌ای؟

موقعیت است. پس پرسش‌هایی که از واکنش و راهبردهای دینی فرد در برابر دیگران می‌پرسند، شاخص مناسبی برای سنجش میزان دینداری پاسخگویان نیستند.

راهبردهای دینی: واکنش‌ها و راهبردهای دینی افراد، بیش از آنکه از میزان دینداری آنان نشأت بگیرد، از نوع دینداری آن‌ها متأثر است و نشان‌دهنده تحلیل افراد از شرایط و

جدول ۹- گویه‌هایی که به جای میزان دینداری، «راهبرد و واکنش دینی» فرد را سنجیده‌اند.

مقصد سنجش	شماره گویه	پژوهش	گویه
پیامد دینداری	۱۴	سراج‌زاده (۱۳۷۵)	در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی نباید اینقدر سخت‌گیری کرد.
پیامد دینداری	۱۸	سراج‌زاده (۱۳۷۵)	با پدیده بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد.
دینداری	۴	رضایی (۱۳۸۰)	بعضی‌ها معتقدند به کتاب‌هایی که با عقاید دینی تضاد دارد، نباید اجازه چاپ داد. شما با این نظر بیشتر موافقید یا مخالف؟
دینداری	۱۰	رضایی (۱۳۸۰)	بعضی می‌گویند به کسانی که معتقد به جدایی دین از سیاست هستند، نباید پست و مقام دولتی داد. شما با این نظر بیشتر موافقید یا مخالف؟
دین و جامعه	۱۵۲	گودرزی (۱۳۸۲)	بعضی‌ها معتقدند با آدم‌هایی که نماز نمی‌خوانند، نباید رفت و آمد کرد. شما با این نظر موافقید یا مخالف؟

گویه‌هایی که نظر فرد را درباره دین یا یکی از آموزه‌های آن می‌پرسند، تلقی وی از دین را سنجیده‌اند، نه میزان دینداری.

تلقی از دین: تلقی از دین، بررسی نگرش فرد نسبت به دین از یک موضع بیرونی است. دین برای فرد در این موضع، موضوع بررسی و ارزیابی است، نه پیروی؛ بنابراین آن دسته از

جدول ۱۰- گویه‌هایی که به جای میزان دینداری، «تلقی از دین» را سنجیده‌اند.

مقصد سنجش	شماره گویه	پژوهش	گویه
دینداری	۱	رضایی (۱۳۸۰)	بعضی معتقدند دین و ایمان یکی از بهترین راه‌های غلبه بر مشکلات زندگی است. شما با این نظر موافقید یا مخالف؟
کارکردهای دین	۱۶۳	گودرزی (۱۳۸۲)	عده‌ای معتقدند ایمان به خدا باعث می‌شود آدم راحت‌تر با مشکلات زندگی کنار بیاید. با این نظر موافقید یا مخالف؟
باور دینی	۵	خدایاری‌فرد (۱۳۸۸)	دین، زندگی فردی و اجتماعی انسان را هدایت می‌کند.
باور دینی	۱۸	خدایاری‌فرد (۱۳۸۸)	دین اسلام پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی جوامع بشری است.
پیامد دینداری	۲-۱۴	ابراهیمی (۱۳۸۹)	بسیاری از قوانین اسلام را می‌توان در جامعه امروز اجرا کرد.
پیامد دینداری	۲-۲۵	ابراهیمی (۱۳۸۹)	دینداری باعث عقب‌ماندگی می‌شود.

متفاوت است. مسلم است از آن روش به واقعیت میزان دینداری فرد نمی‌توان پی برد؛ زیرا برداشت و گزارش فرد از دینداری خود لزوماً با واقعیت دینداری او مطابقت ندارد و در غالب موارد، فاصله و تفاوت معناداری هم دارد.

خودپنداره دینی: در این پیمایش‌ها گویه‌هایی وجود دارد که از فرد درباره وضع مذهبی خود و نمره‌ای که در این مورد به خود می‌دهد، پرسش کرده‌اند. منظور پژوهشگران از این پرسش و استفاده‌ای که ممکن است از نتایج آن بکنند،

## جدول ۱۱- گویه‌هایی که «خودپنداره دینی» را سنجیده‌اند.

شماره گویه	پژوهش	گویه
۱۵	رضایی (۱۳۸۰)	شما خودتان را تا چه اندازه فردی مذهبی می‌دانید؟
۲۹۹	گودرزی (۱۳۸۲)	خودتان را تا چه اندازه مذهبی می‌دانید؟
۱۴۱	طالبان (۱۳۸۸)	صرف‌نظر از دیدگاه دیگران در باره شما، در مجموع اگر قرار باشد به میزان مذهبی بودن خود نمره‌ای از صفر تا بیست بدهید، به‌گونه‌ای که ۲۰ نشان‌دهنده فرد کاملاً مذهبی و صفر، نشانه فرد کاملاً غیرمذهبی باشد به خودتان چه نمره‌ای می‌دهید؟

گویه‌های مبهم: در گویه‌هایی که در جدول زیر آورده شده است، مفهوم سنجیده‌شده، مبهم یا کاملاً غیرمرتبط است. مبهم بدین معنا که نتیجه‌ای که از پاسخ به این گویه‌ها به دست می‌آید، بسیار پراکنده خواهد بود و نمی‌توان فهمید که در واقع چه مفهومی را سنجیده‌اند؛ اما بدیهی است که مفهوم مدنظر پژوهشگر را نسنجیده‌اند.

## جدول ۱۲- گویه‌های مبهم

شماره	پژوهش	گویه
۱۵	سراج‌زاده (۱۳۷۵)	تقلب در انتخابات کار نادرستی است
۱۵	خدایاری فرد (۱۳۸۸)	بهترین تجربه‌های دینی من وقتی بوده است که هنگام عبادت و دعا احساس روحانی خاصی داشته‌ام.
۵۰	خدایاری فرد (۱۳۸۸)	آبیاری گیاهان و درختان اطراف منزل را دوست دارم.
۶۸	خدایاری فرد (۱۳۸۸)	هیزم‌های خاموش‌نشده در کنار درختان یا طبیعت را خاموش می‌کنم.
۱۹	طالبان (۱۳۸۸)	آیا تا به حال مشاهده کرده‌اید که با دعا و خواستن از خدا، مریضی صعب‌العلاج شفا گرفته باشد؟

تطبیق‌نداشتن گویه با مؤلفه یا بعد مقصود: در برخی موارد که گویه‌ها، در عبارت‌پردازی و نقصان‌های مفهوم‌شناختی، ضعف و ابهام ندارند، بعضاً با خطا در تطبیق

مواجه بوده‌اند؛ یعنی جنبه‌ای را که سنجیده‌اند، به‌جز بعد یا مؤلفه مدنظر پژوهشگر بوده است.

## جدول ۱۳- گویه‌هایی که ابعاد دیگری را سنجیده‌اند.

شماره گویه	پژوهش	مقصود سنجش	سنجیده شده
۲۳	سراج‌زاده (۱۳۷۵)	مناسک دینی	مشارکت دینی
۶۵	خدایاری فرد (۱۳۸۸)	باور دینی	عبادات
۶۶	خدایاری فرد (۱۳۸۸)	عواطف دینی	فعل اخلاقی
۲۶	خدایاری فرد (۱۳۸۸)	عواطف دینی	شریعت
۲-۱۸	ابراهیمی (۱۳۸۹)	پیامد دینداری	ایمان

با توجه به انواع و کثرت خطاهای مذکور در گویه‌ها و مصادیق هر کدام، مشخص است روایی سنجه در پژوهش‌های



منتخب، از این نظر نیز با نقصان جدی روبه‌رو است.

### نتیجه

این پژوهش و مقاله حاصل از آن کوشیده است به درکی بهتر و جامع‌تر از مسأله روایی به‌طور کلی و بررسی وضع و کاربرد آن در مطالعات دینداری به‌طور خاص دست یابد. در عین حال ترجیح داده است آن را با تأمل در جدی‌ترین پیمایش‌های سنجش دینداری در ایران به انجام برساند تا مشخص شود یافته‌های ما از وضع دینداری در ایران تا چه حد کافی، معتبر و اعتمادکردنی است. هدف سوم نیز برجسته‌سازی مسأله روایی در پیمایش‌های دینداری بوده است که به تدریج در حال تبدیل شدن به کلیشه‌ای تکراری و بخشی حاشیه‌ای و کم‌اهمیت در این پژوهش‌ها است.

این مطالعه نشان داد تنها روایی لازم و موجه برای این مطالعات، بررسی «روایی محتوا» است و انجام روایی‌های دیگر در صورت لزوم، متکی و منوط به احراز آن است. مشخص شد که استفاده از روایی‌های «ملاکی» و «سازه» برای بررسی روایی سنجه در این پژوهش‌ها به‌تنهایی کارساز نیست و به نتیجه مطمئنی هم منتهی نمی‌شود. پس آن دسته از پژوهش‌های دینداری که به انجام هیچ نوع روایی مبادرت نکرده و یا به بررسی روایی‌های دیگری به‌جز روایی محتوا بسنده کرده‌اند (۲ مورد)، نتایج اطمینان‌آور نخواهد داشت. جدول ۴ نشان می‌دهد ۴ مورد از پژوهش‌های منتخب، بدون گزارش روایی هستند و ۲ مورد هم به روایی دیگری به‌جز روایی محتوا اکتفا کرده‌اند.

در گام دوم، وضع «گزارش روایی» در پژوهش‌های منتخب بررسی و مشخص شد کم‌کاری در ارائه گزارش کامل از بررسی روایی در این‌گونه پژوهش‌ها، عارضه‌ای عمومی است و حتی آن دسته از پیمایش‌های نادری که به‌گونه‌ای آن را بررسی کرده‌اند (۶ مورد از پژوهش‌های منتخب) در ارائه گزارش تفصیلی آن کوتاهی داشته‌اند (جدول ۴).

در گام سوم، روایی در سطح «مفهوم‌شناختی» شامل

تعاریف نظری و عملیاتی دینداری بررسی و مشخص شد که نیمی از این پژوهش‌ها (۵ مورد) اساساً هیچ تعریفی از دینداری ارائه نکرده‌اند و تنها دو پژوهش دیگر از تعریف نظری خویش برای رسیدن به مدل دینداری استفاده کرده‌اند (جدول ۲). در بررسی روایی در سطح مفهومی، تعریف عملیاتی، یعنی مدل ارائه‌شده برای دینداری نیز بررسی و مشخص شد که از بین پیمایش‌های مبتنی بر مدل (۵ مورد) تنها دو مورد از آن‌ها از مدل خاص برگرفته از آموزه‌های اسلامی بهره برده‌اند (جدول ۳).

مقاله در گام چهارم، روایی «سنجه» و روایی محتوای پیمایش‌های منتخب دارای مدل را در سه سطح «تناسب سنجه»، «شمول سنجه» و «گویه‌های به‌کاررفته» بررسی کرد. بررسی‌های ما نشان داد در هیچ یک از این پژوهش‌ها، تناسب کافی میان ابعاد مورد سنجش و سنجه به‌کاررفته وجود ندارد (جدول ۵)؛ اما از نظر شمول سنجه تنها یکی از پژوهش‌ها، کفایت داشت (جدول ۵). خطای گویه‌های به‌کاررفته، خود را در سه دسته «ابدال مفهومی»، «ابهام در عبارت» و «جابجایی در بعد مورد سنجش» نشان داده است. جدول‌های ۶ تا ۱۱ دربردارنده نمونه‌هایی از گویه‌های به‌کاررفته در این پیمایش‌ها است که به جای پرسش از «میزان دینداری» به‌ترتیب از «قرائت دینی»، «معلومات دینی»، «نوع دینداری»، «راهبرد دینی»، «تلقی از دین» و «خودپنداره دینی» پرسیده‌اند. جدول ۱۲ نیز شامل برخی از گویه‌هایی است که اساساً مبهم هستند و جدول ۱۳ نیز دربردارنده گویه‌هایی است که نوعی جابه‌جایی در آن‌ها انجام شده است و بعد یا مؤلفه سنجیده‌شده، چیزی غیر از هدف پژوهشگر بوده است. ایرادهایی که در گویه‌های به‌کاررفته در این مطالعات دیده شد، ممکن است به‌عنوان ایرادهای جزئی و کم‌اهمیت محسوب شود و به‌عقیده برخی، اغماض‌کردنی باشند. در این باره نکاتی هست که لازم است به آن‌ها توجه شود. اولاً، این اشکالات جزئی و نه کم‌اهمیت، تأثیر نقصان‌های اساسی در مقدمات و متن این پژوهش‌ها است که خود را در اینجا

۱۳۵۳، تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران. (جزوه چاپ‌نشده)

اوپنهایم، ا. ا. (۱۳۷۵). طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها، ترجمه: کریم یار، م. مشهد: آستان قدس رضوی.

آلن، م. (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر نظریه‌های اندازه‌گیری (روان‌سنجی)، ترجمه: دلاور، ع. تهران: سمت.

حیدری چروده، م. (۱۳۸۹). روایی و پایایی در پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، مشهد: جهاد دانشگاهی.

خدایاری فرد، م.؛ فقیهی، ع.؛ غباری بناب، ب.؛ شکوهی یکتا، م. و به‌پژوه، ا. (۱۳۸۵). آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری در جامعه دانشگاهی کشور، تهران: با همکاری انستیتو روان‌پزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان.

خدایاری فرد، م. و همکاران. (۱۳۸۵). گزارش نهایی طرح پژوهشی: آماده‌سازی مقیاس دینداری و ارزیابی سطوح دینداری اقشار مختلف جامعه ایران، تهران: با همکاری سازمان‌های حامی.

دواس، دی. ای. (۱۳۷۵). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: ناییبی، ه. تهران: نشر نی.

رضایی، ع. (۱۳۸۰). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: ویرایش اول (یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان)، تهران: دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.

سراج‌زاده، ح. (۱۳۷۷). «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن بر نظریه سکولارشدن»، مجله نمایه پژوهش، ش ۷ و ۸، ص ۱۰۵-۱۱۸.

سراج‌زاده، ح. و پویافر، ر. (۱۳۸۷). «مقایسه تجربی سنج‌های دینداری: دلالت‌های روش‌شناسانه کاربرد سه سنج در یک جمعیت»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۸، ش ۴، ص ۷۰-۳۷.

سرنادایک، ر. (۱۳۶۶). روان‌سنجی کاربردی، ترجمه: حیدرعلی هومن، دانشگاه تهران.

نشان داده است؛ دواماً، جزئی‌بودن یک اشکال، نباید موجب نادیده‌گرفتن آن بشود، به‌ویژه اگر این قبیل اشکال‌ها، با کمیت در خور توجهی در این مطالعات تکرار شده باشد. سوماً، هدف این پژوهش، برجسته‌سازی همین اشکال‌ها در این مطالعات بوده است. تعیین ارزش و اهمیت آن در مقایسه با ضرورت و دستاوردهای بزرگ این مطالعات، البته کار دیگری است که باید صاحب‌نظران اصلی این حوزه با اشراف و جامعیت بیشتری انجام گیرد.

بررسی‌های چندگانه در سطوح و جوانب مختلف نشان داد پژوهش‌های منتخب با ضعف‌های جدی در زمینه روایی مواجه هستند و از آنجا که این پژوهش‌ها از برجسته‌ترین مطالعات انجام‌شده در زمینه سنجش میزان دینداری در ایران است و پژوهش‌های دیگر نیز به‌نوعی از آن‌ها اقتباس می‌کنند و به آن‌ها ارجاع می‌دهند؛ می‌توان ادعا کرد ضعف روایی در پیمایش‌های دینداری در ایران، عارضه‌ای عمومی است و با اتکا به یافته‌های این پژوهش‌ها، به برآورد دقیقی از میزان دینداری ایرانیان نمی‌توان دست یافت.

نتیجه حاصل از این پژوهش به‌جز آشکارکردن اهمیت بررسی روایی محتوا در انواع مطالعات میدانی و به‌خصوص پیمایش‌های دینداری، یک پیامد ضمنی دیگر نیز به همراه داشته است و آن، افزایش احتیاط در تعمیم نتایج و تحلیل وضع دینداری در ایران بر اساس یافته‌های موجود است.

## منابع

آذربایجانی، م. (۱۳۸۳). مقیاس سنجش دینداری: تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ابراهیمی، ق. (۱۳۸۹). دین و بزهکاری جوانان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

اسدی، ع و همکاران. (۱۳۵۶). گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران: گزارش منتشرشده از یک نظرخواهی ملی در سال

- تبلیغات اسلامی).
- محسنی، م. (۱۳۷۵). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، تهران: معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Goodwin, Laura D. & Leech Nancy L. (2003) "The Meaning of Validity in The New Standards for Educational and Psychological Testing: Implications of Measurement Courses", *Measurement and Evaluation in Counseling and Development*, 36(3):181-191.
- Hill, Peter C. & Ralph W. Hood Jr. (Eds.) (1999) *Measures of Religiosity*. Birmingham, Alabama: Religious Education Press.
- شجاعی‌زند، ع. ر. (۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، ش ۱، ص ۳۴-۶۶.
- شجاعی‌زند، ع. ر. (۱۳۹۰). «مبنای ساخت مدل برای سنجش دینداری»، *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، س ۱۷، ش ۶۸، ص ۱۶۷-۱۴۵.
- شمشیری، ب. (۱۳۸۶). «نقدی روش‌شناسانه بر مقیاس‌های ایرانی تهیه‌شده در حوزه روان‌شناسی دین»، *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، دوره ۱۳، ش ۵۱، ص ۷۰-۴۵.
- طالبان، م. ر. (۱۳۷۹). *بررسی تجربی دینداری نوجوانان کشور*، کارفرما: دفتر توسعه و برنامه‌ریزی امور پژوهشی.
- طالبان، م. ر. (۱۳۸۸). *پیمایش ملی سنجش دینداری در ایران*، تهران: مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران.
- قاضی طباطبایی، م. (۱۳۷۷). «ارزیابی اعتبار سازه‌ای نخستین گام ضرور در مطالعات فرهنگی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۲، ص ۱۰۷-۱۳۶.
- کاظمی، ع. و فرجی، م. (۱۳۸۸). *سنجه‌های دینداری در ایران*، تهران: جامعه و فرهنگ.
- کاظمی، ع. و فرجی، م. (۱۳۸۸). «بررسی وضعیت دینداری در ایران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره ۲، ش ۶، ص ۷۹-۹۵.
- کرلینجر، ف. (۱۳۸۲). *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*، تهران: آوای نور.
- گودرزی، م. (۱۳۸۲). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: موج دوم، ویرایش اول (یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان)*، تهران: دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.
- گودرزی، م. (۱۳۸۷). *پیمایش ملی تحولات فرهنگی ایرانیان: گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (انتشار از سوی سازمان

